

طراحی و اجرای فعالیت های یاددهی — یادگیری زبان فارسی در دوره ی دبستان

آشنایی با این بخش

دانشجو — معلم گرامی! تا این بخش از کتاب با مسایل مهمی از جمله ویژگی های دانش آموزان دبستانی، ویژگی های زبان، اصول آموزش زبان فارسی در دوره ی دبستان، مهارت های گوش دادن، سخن گفتن و خواندن آشنا شده اید. اما حتماً با ما هم عقیده اید که در تدریس هنرمندانه ی زبان فارسی علاوه بر داشتن اطلاعات علمی، به ویژه علوم زبان شناسی و روان شناسی، آشنایی با فناوری آموزش و برنامه ریزی و سازماندهی فعالیت های یاددهی — یادگیری نیز دارای اهمیت است. به این خاطر، ما در بخش چهارم کتاب در دو فصل «مراحل طراحی آموزشی» و «اجرای فعالیت های یاددهی — یادگیری» را مورد بحث قرار خواهیم داد. امید است بتوانید با استفاده از فنون مطرح شده در این دو فصل و با به کارگیری ابتکارات شخصی و هنرمندانه ی خود در آموزش مهارت های زبان فارسی در دوره ی دبستان موفق باشید.

یادآوری این نکته نیز لازم است که در این بخش نیز روال تدوین مطالب کتاب همان شیوه ی تدوین فعال متن است. در واقع فصل های این بخش نیز طوری نگاشته شده اند که بستر مناسب برای فعالیت های متنوع فردی و گروهی شما فراهم شود. برخورد متعهدانه ی مدرسان محترم و شما دانشجو — معلمان در این خصوص باعث خواهد شد مطالب «نظری» با فعالیت های «عملی» شما عجین شود و از این طریق «یادگیری پایدار» در ذهن شما شکل بگیرد.

فصل اول

مراحل طراحی آموزشی

کلیات

برای توفیق در امر آموزش باید بین کلیه‌ی عناصری که به‌نحوی در فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، دخالت دارند، هماهنگی صورت گیرد؛ زیرا همه‌ی عناصر یاد شده، در عمل، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و لذا هرگونه هماهنگی یا عدم هماهنگی بین آن‌ها در دستیابی یا عدم دستیابی به اهداف موردنظر مؤثر واقع می‌شود. پس بهتر است قبل از آغاز فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، این فعالیت‌ها «طراحی» شوند. طراحی آموزشی برخاسته از علم فناوری (تکنولوژی) آموزشی است. از دیدگاه این علم، «طراحی آموزشی» همراه با «اجرا» و «ارزش‌یابی» مؤلفه‌های سه‌گانه‌ی یک برنامه‌آموزشی مؤثر را تشکیل می‌دهند.

هر برنامه‌ی آموزشی، از جمله برنامه‌ی آموزش مهارت‌های زبان فارسی در پایه‌های اول تا پنجم دبستان، از مؤلفه‌هایی شامل هدف، محتوا، دانش‌آموز، معلم، مواد آموزشی (کتاب و سایر وسایل آموزشی) و ... تشکیل شده است. این مؤلفه‌ها نباید به‌صورت پراکنده و مجزا به‌کار گرفته شوند؛ چراکه نتیجه‌ای جز تشّت و ناهمگونی در پی نخواهند داشت. طراحی آموزشی مناسب، سبب می‌شود که این اجزا در کنار هم و به‌صورت نظام‌مند (سیستمیک) برای رسیدن به اهداف یادگیری به‌کار گرفته شوند. حاصل تعامل اجزای یک برنامه‌ی آموزشی «فرایند» نامیده می‌شود. اگر فرایندهای متعددی که در کلاس درس و خارج از آن جریان می‌یابند، به‌خوبی هدایت شوند، به یادگیری و رسیدن به اهداف برنامه منتهی خواهد شد.

فعالیت: در خصوص تعریف ما از «اجزا» و «فرایند» برنامه‌های سیستماتیک خوب فکر کنید و سپس جدول زیر را تکمیل نمایید.

فرایند : ف	اجزا: ج
تخته سیاه : ج	خواندن : ف
بحث کردن :	معلم :
پوستر :	ضبط صوت :
فیلم دیدن :	حل مسئله :
سخن گفتن :	گوش دادن :

اما طراحی آموزشی هم مانند هر نوع طراحی دیگر دارای مراحل است. مرحله‌ای که ما در این کتاب در نظر گرفته‌ایم به ترتیب زیر است که در ادامه به بحث درباره‌ی آن‌ها خواهیم پرداخت :

مرحله‌ی اول : تعیین اهداف کلی ماده‌ی درسی فارسی در پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی

مرحله‌ی دوم : اهداف یادگیری هر واحد درسی

مرحله‌ی سوم : سنجش آغازین

مرحله‌ی چهارم : تعیین روش‌ها و فنون یاددهی – یادگیری

مرحله‌ی پنجم : پیش‌بینی چگونگی سازماندهی فعالیت‌های دانش‌آموزان و معلم

مرحله‌ی ششم : انتخاب رسانه‌ها و مواد آموزشی

مرحله‌ی هفتم : انتخاب آزمون‌های مناسب سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان

اکنون مراحل یاد شده را مورد بحث قرار می‌دهیم. ضمن این‌که مراحل اجرای درس (تدریس) نیز که شامل هفت مرحله است در فصل بعدی (دوم) مورد بحث قرار می‌گیرند.

مرحله‌ی اول طراحی آموزشی

تعیین اهداف کلی ماده‌ی درسی فارسی در پایه‌ی اول تا پنجم ابتدایی

برای طراحی آموزشی یک ماده‌ی درسی مانند «فارسی» نخست باید اهداف کلی را روشن کنیم. در نظام‌های متمرکز، مانند نظام آموزشی کنونی کشور ما، معلمان غالباً نقشی در تعیین اهداف کلی هر ماده‌ی درسی ندارند؛ بلکه این اهداف از سوی شوراها و کمیته‌های برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تهیه و تدوین می‌شوند. البته همواره چند تن از معلمان با تجربه هم در این کمیته‌ها عضویت دارند ولی به هر حال آموزگار کلاس اول تا پنجم ابتدایی با اهداف کلی از پیش تعیین و تصویب شده روبه‌روست. در هر صورت، به نظر ما لازم است شما دانشجو – معلمان با این اهداف آشنا شوید تا هنگام مدیریت و رهبری فرایند یاددهی – یادگیری در مدارس، بتوانید در جهت نیل به این اهداف بهتر عمل نمایید.

در صفحات بعد اهداف کلی آموزش زبان فارسی در دوره‌ی دبستان را، در خصوص مهارت‌های زبانی، گوش‌دادن، سخن گفتن و خواندن، ملاحظه می‌کنید.

اهداف کلی آموزش زبان فارسی در سال اول تا پنجم دبستان

الف - مهارت گوش دادن	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
۱- دقت در سخن عینی و واضح گوینده	×	×	-	-	-
۲- دقت در سخن گوینده	-	-	×	×	×
۳- دریافت پیام‌های ساده و واضح	×	×	-	-	-
۴- دریافت هسته‌ی معنایی پیام	-	-	×	×	×
۵- دریافت ارتباط بین بخش‌های یک پیام	×	×	×	×	×
۶- بررسی شنیده‌های واضح و ساده	×	×	-	-	-
۷- بررسی و نقد شنیده‌ها	-	-	×	×	×
۸- درک پیام در قالب گونه‌های مختلف زبان فارسی	×	×	×	×	×
۹- دقت در آهنگ کلام گوینده	×	×	×	×	×

ب - مهارت سخن گفتن	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
۱- به‌کارگیری کار افزارهای مناسب ارتباطی	×	×	×	×	×
۲- برقراری ارتباط احساسی و عاطفی با شنونده	×	×	×	×	×
۳- حرکت از سخن گفتن خود محور به طرف گفت و گوی دوسویه	×	-	-	-	-
۴- توانایی شرکت در بحث‌ها و گفت و گوها	-	×	-	-	-
۵- شرکت فعال در بحث‌ها و گفت و گوها	-	-	×	×	×
۶- توانایی سخن گفتن کوتاه و ساده در برابر جمع	×	×	-	-	-
۷- سخن گفتن مؤثر و مناسب در برابر جمع	-	-	×	×	×
۸- انسجام بخشیدن به سخن در رساندن پیام	×	×	-	-	-
۹- انسجام و انتظام بخشیدن به سخن در رساندن پیام	-	-	×	×	×
۱۰- پاسخ‌گویی به سؤالات	×	×	-	-	-
۱۱- پاسخ‌گویی خلاق به پرسش‌ها	-	-	×	×	×
۱۲- به‌کارگیری گونه‌های متفاوت زبانی	×	×	-	-	-
۱۳- به‌کارگیری مناسب گونه‌های مختلف زبانی	-	-	×	×	×

پنجم	چهارم	سوم	دوم	اوّل	ج – مهارت خواندن ^۱
–	–	–	–	×	۱– توانایی خواندن نمادهای نوشتاری (رمز برگردانی)
–	–	–	×	–	۲– توسعه‌ی توانایی خواندن نمادهای نوشتاری (رمز برگردانی)
					۳– توسعه‌ی سرعت بخشیدن به خواندن نمادهای نوشتاری (رمز برگردانی)
×	×	×	–	–	
–	–	–	×	×	۴– توانایی دریافت ارتباط معنایی یک متن ساده
×	×	×	–	–	۵– توانایی دریافت ارتباط معنای بخش‌های یک متن
–	–	–	×	–	۶– توانایی دریافت پیام اصلی متن ساده
×	×	×	–	–	۷– توانایی دریافت پیام اصلی یک متن
–	–	–	×	×	۸– توانایی بلند خوانی و صامت‌خوانی متن ساده
×	×	×	–	–	۹– توانایی خواندن متن، متناسب با محتوای آن
–	–	–	×	×	۱۰– توانایی خواندن متن ساده یا شعر با لحن و آهنگ مناسب
×	×	×	–	–	۱۱– توانایی خواندن نثر و شعر با لحن و آهنگ مناسب
–	–	–	×	×	۱۲– توانایی بررسی متن ساده و کوتاه
×	×	×	–	–	۱۳– توانایی نقد و بررسی یک متن
×	×	×	×	×	۱۴– توانایی به‌کارگیری کار افزاری مناسب در خواندن
–	–	–	–	×	۱۵– توانایی ایجاد عادات مطلوب در خواندن
–	–	–	×	–	۱۶– توسعه‌ی عادات و آداب مطلوب در خواندن
×	×	×	–	–	۱۷– تعمیق عادات و آداب مطلوب در خواندن
×	×	×	×	×	۱۸– گسترش دایره‌ی دید خواندن

۱– اهداف مربوط به مهارت نوشتن در کتاب آموزش مهارت‌های نوشتن زبان فارسی (املا و انشا)، مورد بحث قرار گرفته است.

فعالیت: با مطالعه، گفت و گو و مشورت با دوستان خود، دیدگاه‌ها و نظرات انتقادی و اصلاحی خویش را نسبت به اهداف کلی مهارت‌های گوش دادن، سخن گفتن و خواندن بنویسید. [درضمن یک نسخه از تصویر این صفحه را به نشانی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ارسال نمایید]

مهارت گوش دادن :

.....

.....

.....
مهارت سخن گفتن :
.....
.....
.....

.....
مهارت خواندن :
.....
.....
.....

مرحله‌ی دوم طراحی آموزشی

اهداف یادگیری هر واحد درسی

هنگامی که مؤلفان کتاب درسی، اهداف یادگیری هر واحد درسی را در آغاز درس ذکر کرده باشند، دیگر لازم نیست معلم، طراحی آموزشی را از این قسمت آغاز کند، لیکن گاهی کتاب درسی بدون درج اهداف یادگیری هر واحد درسی به دست شما می‌رسد. چرا که در کتاب‌های دوره‌ی دبستان به علت عدم آشنایی دانش‌آموزان با هدف‌های یادگیری، معمولاً از ذکر مستقیم اهداف خودداری می‌کنند. بنابراین لازم است برای طراحی مناسب فعالیت‌های یاددهی – یادگیری در هر جلسه، به کتاب «راهنمای معلم» مراجعه کنید و اهداف یادگیری واحد درسی مورد نظر خود را استخراج و در برگه‌ی «طرح درس» خود وارد کنید. کتاب راهنمای معلم، به عنوان یک رسانه‌ی آموزشی از مهم‌ترین اجزای بسته‌ی آموزشی هر پایه‌ی تحصیلی محسوب می‌شود و هدف اصلی آن کمک به معلم در اجرای مطلوب برنامه‌ی درسی جهت تحقق اهداف آموزشی است. اهمیت این راهنما در این است که فلسفه، اهداف، قلمرو و قوای فرصت‌های یاددهی – یادگیری را مشخص می‌کند و بدین ترتیب از برداشت‌های متعدد و گاه اشتباه معلمان جلوگیری می‌نماید. بنابراین لازم است قبل از شروع تدریس سالانه‌ی خود، کتاب راهنمای معلم را به طور کامل مطالعه کنید و همچنین قبل از طراحی فعالیت‌های مربوط به هر «واحد درسی» نیز مطالب مربوط به همان واحد را که در راهنمای معلم درج شده است به دقت بخوانید.

فعالیت: به کتاب راهنمای معلم پایه‌ی دوم ابتدایی مراجعه کنید. اهداف یادگیری یکی از

واحدهای درس فارسی را استخراج کرده و در اینجا بنویسید :

.....
.....
.....

اینک در خصوص هدف‌های فوق و چگونگی نگارش آن‌ها با دوستان خود به بحث بپردازید.

مرحله‌ی سوم طراحی آموزشی

سنجش آغازین

برای رسیدن به هر هدفی، پیش‌نیازهایی لازم است. سنجش آغازین در واقع برای تشخیص تسلط شاگردان به این پیش‌نیازها تهیه و اجرا می‌شود. در برخی منابع این پیش‌نیازها را «رفتار ورودی» نامیده‌اند. ما هم از این اصطلاح استفاده می‌کنیم.

به هر حال برای این که اطمینان حاصل کنید که آیا شاگردان شما برای درک مفاهیم درس جدید، دارای پیش‌نیازهای لازم با رفتار ورودی مناسب هستند یا خیر، باید آزمونی تهیه کنید. اگر نتیجه‌ی سنجش آغازین نشان داد که دانش‌آموزان رفتار ورودی موردنیاز را ندارند باید برای آنها آموزش‌های جبرانی (ترمیمی) تدارک ببینید. اما در صورت دارا بودن رفتار ورودی، به مرحله‌ی بعدی اجرای تدریس وارد خواهید شد^۱.

فعالیت: در گروه‌های سه نفره با استفاده از اطلاعاتی که در درس «روانشناسی تربیتی» و «روش‌ها و فنون تدریس» به دست آورده‌اید، یک آزمون سنجش آغازین، ویژه‌ی یکی از درس‌های پایه‌ی اول ابتدایی، تهیه کنید و آن را در کلاس با راهنمایی مدرس این درس بررسی و اصلاح نمایید. [مدرس گرامی! لطفاً نمونه‌ای از این آزمون‌ها را به نشانی نویسنده‌ی کتاب ارسال فرمایید]

مرحله‌ی چهارم طراحی آموزشی

تعیین روش‌ها و فنون یاددهی — یادگیری

در آموزش زبان فارسی از دو جهت به روش‌های تدریس نگریسته می‌شود. نخست از جهت

۱- این مراحل در صفحات بعدی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

رویکردهای ویژه‌ی آموزش زبان فارسی، مانند رویکردهای تحلیلی و کلی و ترکیبی که خود دارای روش‌هایی مانند روش حرف محور، روش واژه محور و روش جمله محور هستند. دوم از جهت روش‌های عام تدریس، مانند سخن رانی، پرسش و پاسخ، بحث گروهی و حل مسئله که در همه‌ی پایه‌های اول تا پنجم، در امر آموزش مهارت‌های زبانی و ارتباطی، می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. ما در این قسمت از کتاب نخست به رویکردهای زبان آموزی که به ویژه در پایه‌ی اول دبستان مهم هستند اشاره می‌کنیم، سپس در خصوص روش‌های یاددهی - یادگیری بحث مفصلی خواهیم آورد. بدیهی است در این کتاب، برخلاف کتاب راهنمای معلم که ویژه‌ی هر پایه‌ی تحصیلی است، نمی‌توان به جزئیات امر اشاره کرد لیکن ما سعی خواهیم کرد هنگام توضیح هر روش، نمونه‌هایی از مسائلی مربوط به تدریس زبان فارسی را درج نماییم تا شما معلمان گرامی در هر واحد درسی با توجه به ماهیت محتوا و اهداف یادگیری و ویژگی‌های دانش‌آموزان خود از یکی از این روش‌ها و یا تلفیقی از آن‌ها استفاده کنید.

رویکردهای آموزش فارسی در پایه‌ی اول دبستان

رویکرد تحلیلی

اصول کلی

الف - مبانی روان‌شناختی: به نظر برخی از روان‌شناسان، انسان هنگام مواجه شدن با یک پدیده، نخست به اجزای سازنده‌ی آن توجه می‌کند و سپس با ترکیب آن اجزاء به کل پدیده پی می‌برد و از آن شناخت نسبی یا کافی پیدا می‌کند؛ بنابراین امر یادگیری یک مطالب نیز از یادگیری اجزای آن شروع شده و به یادگیری کل آن ختم می‌گردد. براین اساس، بسیاری معتقدند که در آموزش مهارت خواندن و نوشتن پایه نیز باید نخست صورت‌های جزئی را آموزش داد و سپس اندک‌اندک با ترکیب این صورت‌ها، به آموزش صورت‌های کل پرداخت. رویکرد پیشنهادی این افراد «رویکرد تحلیلی» نام دارد که آن را «از جزء به کل» نیز می‌نامند.

ب - مبانی زبان‌شناختی: دانستید که با پذیرفتن نظر بالا باید آموزش خواندن را از آموختن کوچک‌ترین عناصر زبان، که متعلق به ساخت آوایی زبان هستند، شروع کرد. اما چون در این نکته که کوچک‌ترین عنصر زبان کدام عنصر است، اختلاف نظر وجود دارد، رویکرد تحلیلی، خود به سه روش آموزش تقسیم می‌شود.

۱- روشی که طرفداران آن معتقدند کوچک‌ترین عنصر زبان - که آموزش خواندن باید با آن

شروع شود - «حرف» است. به همین علت ما این نظریه را «حرف بنیاد» و روش آن را «روش حرف محور» می‌نامیم.

۲- روشی که طرفداران آن معتقدند کوچک‌ترین عنصر زبان حرف نیست - اینان حرف را نماینده‌ی نظام نوشتاری زبان می‌دانند - بلکه «آوا»های زبان (صامت‌ها و مصوت‌ها) است. به همین دلیل ما این نظریه را «آوابنیاد» و روش آن را «روش آواشناسی یا آوامحور» می‌نامیم.

۳- روشی که طرفداران آن معتقدند آموزش خواندن را باید از «هجا»ها یا «بخش‌های زبان» شروع کرد. به همین علت ما این نظریه را «هجابنیاد» و روش مربوط به آن را «روش هجامحور» یا «بخش آموزی» می‌نامیم.

اکنون باید گفت معتقدان به سه روشی که ما آن‌ها را جزو روش‌های رویکرد تحلیلی طبقه‌بندی کردیم، در «نظریه روان‌شناختی» اتفاق نظر دارند، یعنی همگی معتقدند که یادگیری از کوچک‌ترین جزء موضوع یادگیری شروع شده به یادگیری کل آن ختم می‌گردد. اما میان این سه دسته، در طرز «نگرش زبان‌شناختی به عناصر سازنده‌ی زبان»، اختلاف نظر وجود دارد. همین امر باعث به‌وجود آمدن سه روش آموزشی متفاوت، ولی با یک نظریه مشترک روان‌شناختی، شده است. اینک به‌طور مشروح به توضیح هر کدام از این سه روش می‌پردازیم.

۱- روش حرف محور یا حرف آموزی: کسانی که نظریه‌ی آنان را «حرف بنیاد» نامیدیم معتقدند که در شروع برنامه‌ی آموزش خواندن، دانش‌آموزان باید شکل و نام تمام حروف الفبا را بیاموزند و سپس با ترکیب حروف، به آموختن هجاها و بعد با ترکیب هجاها، به فراگیری خواندن کلمه و در نهایت با ترکیب کلمات، به یادگرفتن خواندن جملات بپردازند. این شیوه را می‌توان در مراحل زیر خلاصه کرد:

مرحله‌ی اول: آموزش شکل تمام حروف با استفاده از نام آن‌ها، مثل یادگیری شکل «ج» با استفاده از نام آن یعنی «جیم». بنابراین، در این مرحله، در چند جلسه‌ی آغازین برنامه سعی می‌شود فراگیران بازگویی و بازشناسی نشانه‌های حرفی ۳۲ گانه‌ی زبان فارسی را با استفاده از نامشان بیاموزند (الف، ب، پ، ...، ی).

مرحله‌ی دوم: در مرحله‌ی دوم، نخست حروف یاد شده به‌صورت دو به دو با یک‌دیگر ترکیب گردیده تلفظ هجاهای دوحرفی آموزش داده می‌شود و در ادامه اندک‌اندک تعداد حروف افزایش می‌یابند و هجاهای سه، چهار و پنج حرفی نیز ساخته می‌شوند. در این مرحله، هجاهای ساخته شده، هم ممکن است جزو عناصر معنادار زبان بوده و هم ممکن است دارای معنا و مفهومی نباشند. در پایان این مرحله، دانش‌آموزان می‌آموزند که حروف سازنده‌ی هجاها را «هجی» کنند، یعنی نام حروف

سازنده‌ی هجاها را به تفکیک بر زبان آورند؛ مانند:

ما ← میم + الف سو ← سین + واو

مرحله‌ی سوم: در سومین مرحله‌ی روش حرف محور، نوبت به آموزش خواندن کلمات می‌رسد. در این هنگام کلمه‌ی مورد نظر با استفاده از نام حروف سازنده‌ی خود هجی می‌گردد و در قسمت بعدی، همان کلمه با توجه به مصوّت‌های سازنده‌اش هجی می‌شود؛ مانند:

سواد سین + واو + الف + دال

سین به صدای «س»، واو به صدای «آ» و دال به صدای سکون

اشکالات: ایراد اساسی‌ای که بر روش حرف محور وارد دانسته‌اند این است که اسامی نشانه‌های حرفی یک نظام نوشتاری با آواهای زبان که آن حروف نماینده آن‌ها هستند ارتباط ضعیفی دارند؛ مثلاً آوای /s/ = س، در زبان انگلیسی و فارسی با نام خود یعنی «اس» و «سین» ارتباط دقیقی ندارد. به همین دلیل کاملاً آشکار است که استفاده از روش تحلیلی حرف محور از مبنای علمی مستحکمی برخوردار نیست. احتمالاً تنها چیزی که باعث می‌شود تعدادی از فراگیران هرکلاس که طبق این روش آموزش می‌بینند به موفقیت‌هایی دست یابند زحمات طاقت‌فرسای است که توسط معلم و شاگرد به صورت تمرین‌های سنگین انجام می‌شود.

۲- روش آوامحور یا صوت آموزی: در این روش نیز، مانند روش حرف محور، همان فرضیه‌ی یادگیری از جزء به کل زیربنای اصلی کار را تشکیل می‌دهد؛ اما تفاوت آن با روش حرف محور این است که طرفداران آن، نه نشانه‌های حرفی، بلکه آواهای زبانی (صامت‌ها و مصوّت‌ها) را به عنوان کوچک‌ترین عناصر زبانی می‌شناسند و براین عقیده‌اند که آموزش در مهارت خواندن و نوشتن باید با آموزش صامت‌ها و مصوّت‌های زبان شروع شود و سپس با ترکیب این عناصر آوایی، عناصر بزرگ‌تر یعنی هجا، کلمه و جمله آموزش داده شوند. هم‌چنین این روش برخلاف روش حرف محور، مخالف استفاده از نام حروف الفبا در آموزش مهارت خواندن است. مراحل مختلف روش آوامحور یا صوت‌آموزی از قرار زیر است:

مرحله‌ی اول: در این مرحله، در چند جلسه‌ی متوالی، تلفظ مصوّت‌ها و صامت‌های زبان همراه با شکل نشانه‌ی حرفی آن‌ها به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود. در این مرحله ممکن است از تصویر نیز استفاده شود؛ مثلاً می‌توان تصاویری را از اشیاء، حیوانات و دیگر پدیده‌ها ارائه کرد که آغاز یا پایان آن‌ها مصوّت یا صامت مورد نظر باشد.

مرحله‌ی دوم: پس از این که دانش‌آموزان با تلفظ و شکل نوشتاری کلیه‌ی صامت‌ها و مصوّت‌های زبان آشنا شدند، در این مرحله کوشش می‌شود تا با ترکیب عناصر یاد شده هجاها

مختلف ساخته شود و تلفظ و نوشتن آن‌ها آموزش داده شود.

مرحله‌ی سوم: در مرحله‌ی پایانی برنامه‌ی آموزشی در روش صوت آموزشی، کلمات و جملاتی به دانش‌آموزان داده می‌شود و طوری با آنان تمرین می‌گردد که به تدریج خواندن کلمات و جملات را بیاموزند. **اشکالات:** از اشکالات عمده‌ی این روش این است که ما قادر نیستیم صامت‌هایی مانند ج، چ، ب، پ، ک، گ، ت (ط)، د، ق (غ) و همزه را به راحتی به صورت جداگانه تلفظ کنیم و معمولاً همراه آن‌ها مصوّت «ـ» را نیز به تلفظ درمی‌آوریم و این همان موردی است که امکان دارد دانش‌آموزان را در امر یادگیری خواندن و نوشتن دچار مشکل کند.

۳- روش هجا محور یا بخش آموزشی: بنیان و اساس این روش نیز، مانند و دو روش تحلیلی قبلی، فرضیه‌ی برخی از روان‌شناسان است که معتقدند یادگیری انسان از «جزء» شروع شده و به «کل» ختم می‌گردد. اما برخلاف طرفداران روش‌های حرف محور و آوامحور کارشناسانی که روش هجا محور را پیشنهاد می‌کنند بر این عقیده‌اند که کوچک‌ترین عنصر اساسی زبان نه حرف و نه آوا، بلکه هجاهای زبانی هستند، زیرا هجاها پل ارتباطی حروف و آواها از یک طرف، و کلمات و جملات از طرف دیگر می‌باشند. بنابراین باید برنامه‌ی آموزش مهارت خواندن را طوری تنظیم کرد که در مرحله‌ی اول، دانش‌آموزان خواندن انواع هجاهای زبان را، که ترکیبی از صامت‌ها و مصوّت‌هاست بیاموزند و در مرحله‌ی بعد این هجاها را با یک‌دیگر ترکیب کنند و بدین ترتیب با خواندن کلمات و جملات آشنا شوند. از امتیازات این روش بر دو روش قبلی (حرف محور و آوامحور) این است که می‌توان با انتخاب هجاهایی که معنادار هستند، انگیزه‌های به مراتب قوی‌تری را در دانش‌آموزان ایجاد کرد؛ مثل در، سیب و مار.

با توجه به این که هجاها از ترکیب صامت‌ها و مصوّت‌ها ساخته می‌شوند، ممکن است آموزش خواندن با روش «هجامحور» را از آموزش با صامت‌ها یا مصوّت‌ها آغاز کنیم. در این صورت می‌توانیم دو روش فرعی در درون روش تحلیلی «هجامحور» داشته باشیم؛ روش هجامحور صامت بنیاد و روش هجامحور مصوّت بنیاد.

الف - روش هجامحور صامت بنیاد: در این روش صامت‌های زبان به ترتیب و در چند جلسه‌ی آغازین به عنوان عنصر پایه انتخاب می‌شوند و با کلیه‌ی مصوّت‌های آن ترکیب می‌گردند تا آموزش انواع «هجاهای دو عنصری زبان» انجام شود و سرانجام با ترکیب هجاها، کلمات و جملات ساخته می‌شوند و آموزش مهارت خواندن ادامه می‌یابد؛ مانند:

م : ما، مو، می، مَ، مِ، مُ
س : سا، سو، سی، سَ، سِ، سُ

ب — روش هجا محور مصوّت بنیاد: در این روش، مصوّت‌های زبان به ترتیب و در چند جلسه‌ی آغازین به‌عنوان عناصر پایه انتخاب می‌شوند و با کلیه‌ی صامت‌های آن ترکیب می‌گردند تا آموزش انواع «هجاهای دو عنصری زبان» انجام شده، در نهایت برنامه‌ی آموزش خواندن با آموزش کلمات و جملات ادامه می‌یابد؛ مانند:

ـ، بـ، پـ، تـ، ثـ، جـ، چـ

و: بو، پو، تو، ثو، جو، چو

اکثر روش‌های کنونی آموزش خواندن قرآن کریم در ایران از یکی از این دو روش یا تلفیقی از این دو سود می‌برند.

رویکرد کلی اصول کلی

الف — مبانی روان‌شناختی: برخلاف نظریه‌پردازان رویکرد تحلیلی، گروهی از صاحب‌نظران علم روان‌شناسی و در رأس همه‌ی آنان پیروان مکتب گشتالت معتقدند که انسان هنگام برخورد با پدیده‌ها، نخست پدیده را به‌طور کلی ادراک می‌کند و سپس اندک‌اندک به اجزای سازنده‌ی آن پی می‌برند. اینان می‌گویند، مثلاً هنگامی که ما با یک دوچرخه روبه‌رو می‌شویم، نخست کلیت آن را در نظر می‌آوریم و سپس به تک‌تک اجزای سازنده‌ی آن توجه می‌کنیم؛ پس در برنامه‌های یاددهی — یادگیری نیز باید نخست صورت‌های کلی را به فراگیران بیاموزیم و سپس با تجزیه‌ی این صورت‌های کلی به اجزای سازنده‌ی آن‌ها، شناخت آنان را از ماهیت پدیده‌ها کامل سازیم. رویکرد مبتنی بر این نظریه را «از کل به جزء» می‌نامند.

ب — مبانی زبان‌شناختی: برخی از کارشناسان امر آموزش خواندن و نوشتن پایه، با تأثیرپذیری از مکتب گشتالت بر این اعتقادند که در هنگام آموزش خواندن و نوشتن نیز باید برنامه‌ی آموزشی را از یاددهی صورت‌های کلی عناصر زبان شروع کنیم و سپس با تجزیه‌ی آن عناصر به واحدهای کوچک‌تر امر آموزش را ادامه دهیم. اما، همانند طرفداران «رویکرد تحلیلی»، بین طرفداران «رویکرد کلی» نیز در مورد واحدهای سازنده‌ی زبان اتفاق نظر وجود ندارد، به همین سبب، این رویکرد آموزشی از «نظرگاه زبان‌شناختی» به دو روش فرعی زیر تقسیم می‌شود:

۱- روش اول، که طرفداران آن معتقدند بزرگ‌ترین عنصر زبان که آموزش خواندن و نوشتن را باید با آن شروع کرد «کلمه» یا «واژه» است. به همین علت ما این روش را «واژه‌بنیاد» دانسته و نام آن را «واژه‌محور» می‌گذاریم.

۲- روش دوم، که طرفداران آن بر این عقیده‌اند که بزرگ‌ترین عنصر زبان «جمله» است و آموزش خواندن و نوشتن را باید با آن شروع کرد. به این علت ما این روش را «جمله بنیاد» دانسته، نام آن را روش «جمله‌محور» می‌گذاریم.

۱- روش واژه‌محور یا کلمه‌آموزی: نظریه‌ی یادگیری از کل به جزء، زیربنای اصلی این روش را تشکیل می‌دهد. به نظر طرفداران این روش، بزرگ‌ترین عنصر زبان «کلمه» است. بنابراین، برنامه‌ی آموزش خواندن و نوشتن پایه باید از آموزش کلمه شروع شده، با تجزیه‌ی آن به هجاها، آواها (صامت‌ها و مصوت‌ها) و حروف سازنده‌ی آن یادگیری صورت گیرد. در این روش فراگیران بدون آن که نیاز به دانستن نام نشانه‌های حرفی یا صدای آن‌ها داشته باشند، به‌سوی آموختن (خواندن و نوشتن) شکل کلی کلمه هدایت می‌شوند. در این روش برای تسهیل یادگیری از «تکیه‌گاه تصویری» نیز استفاده می‌شود. به این ترتیب که در کنار شکل کلی کلمه، تصویری از مصداق عینی آن در جهان خارج نیز قرار می‌دهند تا دانش‌آموزان با مطابقت دادن تصویر و شکل کلمه، آن را به تلفظ درآورند. به این شیوه یا فن، شیوه‌ی «نگاه کن و بگو» گفته می‌شود. بنابراین، در روش «واژه‌محور» محتوای درسی طوری تنظیم می‌شود که کلمات اولیه، مربوط به اشیاء یا پدیده‌هایی باشند که بشود آن‌ها را به‌تصویر کشید. در این روش، در جلسات اول به هیچ‌وجه در مورد هجا، آوا یا حرف به‌صورت مجزا بحث نمی‌شود. بلکه چندین جلسه‌ی متوالی به یاد دادن خواندن شکل کلی کلمات اختصاص داده می‌شود و سپس زمانی که دانش‌آموزان تعداد زیادی کلمه را آموختند، تجزیه‌ی برخی از آن‌ها انجام می‌گیرد تا آنان با عناصر سازنده‌ی کلمات یعنی هجاها، آواها و حروف نیز آشنا شوند. خصوصیت دیگر این روش این است که در آن سعی می‌شود هر کلمه حدود پنج بار در درس‌های مختلف و با فواصل برنامه‌ریزی شده تکرار شود تا شکل کلی کلمات کاملاً در ذهن فراگیران جای گیرد.

مزیت عمده‌ی روش واژه‌محور بر روش‌های حرف‌محور و آوا‌محور این است که فراگیران هنگام یادگیری مهارت خواندن با واژه‌هایی که دارای «مصداق ملموس» هستند روبه‌رو می‌گردند. به این ترتیب است که جلسات آموزشی به‌اندازه‌ی دو روش یاد شده خسته‌کننده نمی‌شود و از طرف دیگر، دانش‌آموزان احساس می‌کنند که از همان اولین جلسه، مهارت خواندن را می‌آموزند که این امر خود سبب می‌شود تا آنان از انگیزه‌های قوی‌تری جهت ادامه کار برخوردار گردند.

اشکال: کسانی که با این روش آموزش می‌بینند، نسبت به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کلمه [هجا، آوا و حرف] آگاهی و شناخت کافی پیدا نمی‌کنند و به این خاطر مجبور می‌شوند کلیه‌ی واژه‌های موجود در زبان را به‌عنوان واحدهایی جداگانه و منفرد فراگیرند و در ذهن خود حفظ کنند.

۲- روش جمله‌محور یا جمله‌آموزی: این روش نیز مانند روش واژه‌محور جزو روش‌های

کلی است و زیربنای فلسفی — روان‌شناختی آن از مکتب گشتالت گرفته شده است که همان‌طور که می‌دانید مبتنی بر این نظریه است که انسان هنگام یادگیری، نخست به کلّ پدیده توجه پیدا می‌کند و پس از آشنایی با کلّ پدیده به اجزای سازنده‌ی آن نظر می‌افکند. کسانی که معتقد به استفاده از روش جمله‌محور هستند برخلاف طرفداران روش واژه‌محور، بزرگ‌ترین واحد زبان را نه کلمه، بلکه «جمله» می‌دانند. به همین سبب می‌توان نظریه‌ی این افراد را «جمله‌بنیاد» و روش آن‌ها را نیز «جمله‌محور» نامید.

از مزیت‌های این روش یکی این که از نخستین جلسه با پیام‌های معنی‌دار شروع می‌شود و در نتیجه انگیزه‌ی کافی را برای مشارکت دانش‌آموزان در امر آموزش فراهم می‌آورد و دیگر این که این روش از ابتدا «از کلمه به کلمه خواندن» و در نتیجه کندخوانی جلوگیری می‌کند.

اشکال: مهم‌ترین عیب این روش عدم آگاهی کافی دانش‌آموزان به اجزای کوچک زبانی کلمه (آواها و حروف) است که موجب ایجاد مشکلات زیادی در یادگیری، به‌خصوص خواندن و نوشتن کلمات جدید بدون کمک دیگران می‌شود.

رویکرد ترکیبی

اصول کلی: همان‌طور که از عنوان رویکرد ترکیبی معلوم است، این رویکرد ترکیبی است از اصول و فرضیاتی که روش‌های دیگر به‌تنهایی بر هرکدام از آن‌ها تکیه دارند. یعنی این که می‌توان با استفاده از اصول، راه‌ها و مراحل روش‌های مختلف روشی جدید ابداع کرد که تمام محاسن دو یا چند روش دیگر را داشته و از معایب هرکدام از آن‌ها به‌دور باشد. به این لحاظ می‌توان با ترکیب دو یا چند روش از روش‌های آموزش خواندن، یک روش جدید ترکیبی ساخت. اما آن چیزی که در حال حاضر میان کارشناسان ایرانی مطرح است و به نام روش‌های ترکیبی شناخته شده است شامل روش‌هایی است که با «ترکیبی از اصول یک یا چند روش از روش‌های تحلیلی با یک یا چند روش از روش‌های کلی» ساخته می‌شوند، پس در واقع روش‌های مورد اشاره را باید «روش‌های ترکیبی کلی تحلیلی» نامید. رویکرد ترکیبی در واقع شامل روش‌هایی است که به‌صورت هم‌زمان هم به‌صورت‌های کلی زبان توجه دارند و هم به صورت‌های جزئی آن می‌پردازند.

از نظر تئوری محض می‌توان روش‌های ترکیبی زیر را انتظار داشت :

۱- روش ترکیبی حرف — کلمه‌محور ؛

۲- روش ترکیبی حرف — جمله‌محور ؛

۳- روش ترکیبی آوا — کلمه‌محور ؛

۴ — روش ترکیبی آوا — جمله‌محور ؛

۵- روش ترکیبی هجا - کلمه محور؛

۶- روش ترکیبی هجا - جمله محور.

اما در عمل تاکنون روش‌های زیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

الف - روش ترکیبی ایران: آوا - کلمه محور؛

ب - روش لوباخ: آوا - کلمه محور؛

ج - روش فریر: هجا - کلمه محور.

نقاط مشترک این روش‌ها را می‌توان به صورت موارد زیر بیان کرد:

۱- هر سه روش در جلسات درسی به صورت هم‌زمان، هم به‌عناصر کلی زبان و هم به‌عناصر جزئی آن می‌پردازند؛

۲- هر سه روش از اصول کل‌نگری، پیش‌روی از کل به جزء، خواندن همراه با درک مطلب و سرعت در خواندن پیروی می‌کنند؛

۳- هر سه روش بر آموختن شکل و صدای حروف به صورت جداگانه و در قالب کلماتی به نام «کلمات کلید» تأکید دارند؛

۴- هر سه روش معمولاً یک یا چند کلمه را به‌عنوان کلمه‌ی کلید هر جلسه انتخاب می‌کنند و سپس به آموزش اجزای کوچک‌تر آن یعنی هجاها، صامت‌ها، مصوت‌ها و حروف نمایش دهنده‌ی آن می‌پردازند؛

۵ - مانند اکثر روش‌های دیگر در این سه روش هم آموزش دو مهارت خواندن و نوشتن به صورت هم‌زمان انجام می‌شود؛

۶- به پیروی از روش کلمه‌محور، در هر جلسه «تکیه‌گاه تصویری» لازم و مربوط به «کلمه‌ی کلید» استفاده می‌شود.

روش‌های یاددهی - یادگیری زبان فارسی در دوره‌ی دبستان

در کشور ما که دارای نظام آموزشی متمرکز است معمولاً یکی از رویکردهایی که در قسمت قبلی معرفی کردیم برای آموزش زبان فارسی در پایه‌ی اول ابتدایی انتخاب می‌شود و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری حول محور آن رویکرد شکل داده می‌شود. اما برای به‌اجرا درآوردن رویکرد منتخب در پایه‌ی اول و همچنین اجرای فرایند یاددهی - یادگیری مهارت‌های زبان فارسی در پایه‌های

دوم تا پنجم دبستان از روش‌های زیر استفاده می‌شود. نکات کلی و عمومی در مورد برخی از این روش‌ها را در درس «روش‌ها و فنون تدریس» مطالعه کرده‌اید؛ لیکن ما در اینجا با توجه به مسایل مربوط به آموزش زبان فارسی نکاتی را متذکر می‌شویم؛ این روش‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- روش پرسش و پاسخ
- ۲- روش ایفای نقش
- ۳- روش قصه‌گویی
- ۴- روش گردش علمی
- ۵- بازی‌های آموزشی
- ۶- روش کتاب‌خوانی
- ۷- روش سخن‌رانی
- ۸- روش بحث گروهی
- ۹- روش حفظ و تکرار
- ۱۰- روش حل مسئله

۱- روش پرسش و پاسخ

روش پرسش و پاسخ از پرکاربردترین روش‌هایی است که معمولاً همه‌ی معلمان در دوره‌ی ابتدایی، و به‌ویژه در تدریس مهارت‌های زبان فارسی، از آن استفاده می‌کنند. با این روش معلم می‌تواند شاگردان خود را به تفکر بیش‌تر درباره‌ی مفهومی جدید و یا بیان بهتر مطالب خود تشویق کند. دانش‌آموز با تلاش جهت پاسخ دادن به سؤالات معلم، با مسئله درگیری فعال پیدا می‌کند که بر اثر آن یادگیری صورت می‌پذیرد. در این روش معلم به‌جای انتقال مستقیم اطلاعات به دانش‌آموزان و یا فکر کردن و فعالیت به جای آن‌ها، آنان را به تفکر وادار می‌دارد. گام به گام هدایتشان می‌کند تا خود جواب‌های درست را «کشف» کنند. روش پرسش و پاسخ در همه‌ی مراحل فعالیت‌های یاددهی و یادگیری مفید است اما بیش‌ترین فایده‌ی آن را می‌توان در مراحل زیر جست و جو کرد:

مرحله‌ی اول: جلب توجه دانش‌آموزان به درگیر شدن در فعالیت‌ها (در آغاز و ادامه کلاس)

مرحله‌ی دوم: تمرین و تثبیت یادگیری

مرحله‌ی سوم: سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان

در آموزش زبان فارسی، به کارگیری این روش محاسن زیر را دربردارد:

۱- اعتماد به نفس دانش‌آموزان را در سخن گفتن و استفاده از مهارت‌های زبان شفاهی

افزایش می‌دهد.

۲- باعث علاقه‌مندی آن‌ها در مشارکت در فعالیت‌های یاددهی - یادگیری خواهد شد.

۳- قدرت استدلال و برقراری ارتباط مناسب را با دیگران در آن‌ها افزایش می‌دهند.

۴- انگیزه‌ی بیش‌تری را در آن‌ها جهت خواندن و مطالعه به‌منظور یافتن پاسخ پرسش‌های معلم ایجاد می‌کنند.

یادآوری می‌شود برای آشنایی بیش‌تر با استفاده‌ی مناسب از پاره مهارت پرسیدن به بخش سوم مراجعه کنید.

۲- روش ایفای نقش (نمایش)

در این روش، دانش‌آموزان به‌عنوان هم‌بازیگر و هم‌تماشاگر، و آموزگار به‌عنوان کارگردان، موضوعی را به‌صورت نمایش اجرا می‌کنند. یادآوری می‌کنیم که به‌کارگیری این روش نیاز به مهارت خاصی در حد کارگردانان یا هنرپیشگان حرفه‌ای ندارد و همه‌ی معلمان باید سعی کنند از این روش در کلاس‌های خود استفاده کنند.

در این روش، دانش‌آموزان هم‌ضمن بازی نمایشی و هم با مشاهده‌ی بازی دیگران با هم کلاسی‌های خود ارتباط عاطفی بیش‌تری پیدا می‌کنند و با «هیجان» و «توجه» کامل جریان نمایش را دنبال می‌کنند. در واقع با به‌کارگیری این روش، دقت، تمرکز حواس و توجه بچه‌ها به مطالب افزایش چشمگیری می‌یابد و لاجرم یادگیری مهارت‌های زبان فارسی بهتر و مؤثرتر صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر، این روش باعث می‌شود که دانش‌آموزان کم‌رو و خجالتی نیز در فرایند یاددهی - یادگیری مهارت‌های زبان فارسی به‌ویژه صحبت کردن و خواندن مشارکت بیش‌تری داشته باشند. چرا که بازی خوب، نیاز به خواندن و حفظ کردن متن و سپس نیاز به صحبت کردن و بازگو نمودن متن نمایشنامه دارد.

در حقیقت، بازی نمایش یکی از فرصت‌های مؤثر یادگیری مهارت‌های زبانی است که بچه‌ها با رغبت و انگیزه‌ی بسیار بالا در مراحل مختلف آن مشارکت خواهند کرد.

روش ایفای نقش در امر آموزش زبان فارسی دارای محاسن زیر است:

۱- تقویت مهارت‌های گوش کردن، مثل دقت، تمرکز حواس و جذب و تحلیل سخنان دیگران؛

۲- تقویت مهارت‌های صحبت کردن، مثل تلفظ صحیح کلمات و عبارات؛

۳- تقویت مهارت‌های ارتباطی، مثل رعایت نوبت، اطلاع‌رسانی، همکاری زبانی با دیگران،

نفوذ در دیگران؛

۴- تقویت علاقه و مهارت خواندن و حفظ کردن متون زبان فارسی در دانش‌آموزان ؛
۵- ایجاد فرصت برای معلم جهت یادداشت اشکالات تلفظی، دقت در گوش دادن و ضعف در مهارت‌های ارتباطی شاگردان ؛

۶- ایجاد فرصت برای معلم برای برنامه‌ریزی رفع اشکالات زبانی بچه‌ها.
مراحل اجرای روش ایفای نقش

۱- تعیین موضوع و نوشتن آن به صورت نمایشنامه ؛ در کلاس‌های اول تا سوم، بهتر است معلم خودش نمایشنامه را بنویسد ولی در کلاس‌های چهارم و پنجم می‌تواند این کار را با مشارکت دانش‌آموزان (در قالب درس انشا) انجام دهد.

۲- فراهم کردن شرایط و وسایل لازم برای اجرای نمایش (مانند لباس و کلاه و ...)
۳- تعیین نقش دانش‌آموزان ؛ سعی شود نقش‌های جالب یا مهم هر بار بین بچه‌ها تقسیم شود و این طور نباشد که یک یا چند تن از دانش‌آموزان همواره نقش شاه و پلیس و رئیس را بازی کنند و چند تن دیگر نقش‌های ضعیف و کم‌اهمیت را.

۴- تمرین دادن بچه‌ها ؛ این مرحله خود جزو آموزش زبان فارسی به شمار می‌آید. چرا که در این مرحله باید بچه‌ها متن نمایشنامه را بخوانند، اشکالات خود را رفع کنند و متن را تا جای ممکن حفظ نمایند.

۵- اجرای نمایشنامه ؛

۶- بحث در مورد محتوا و اجرای نمایش ؛ وجود این مرحله باعث می‌شود دانش‌آموزانی که در نقش تماشاگر هستند، در طول اجرای نمایش به صورت انفعالی برخورد نکنند و تمام حواس خود را معطوف به نمایش نمایند چرا که می‌دانند پس از اجرای نمایش، جلسه‌ی بحث و نقد نمایش تشکیل می‌شود و آن‌ها باید نظرات خود را اعلام کنند و در مقابل مخالفان به دفاع از نظر خود بپردازند.

مثال:

– نمایش از خواب برخاستن تا آماده شدن برای رفتن به مدرسه (نقش اعضای خانواده و کودک)

– نمایش حرف‌های قطره آب با یک کودک

– رفتن به مهمانی و پرخوری و مریض شدن کودک

– نمایش رفتن به عیادت یک دوست بیمار

– داستان روباه و زاغ

– داستان روباه و خروس

– داستان لاک پشت پرنده

۳- روش قصه‌گویی

از قصه‌گویی به سه صورت می‌توان در تقویت مهارت‌های زبانی و ارتباطی دانش‌آموزان استفاده کرد :

الف - معلم در نقش قصه‌گو: در این حالت وقتی آموزگار در حال قصه‌گفتن است مهارت‌های گوش دادن دانش‌آموزان تقویت می‌شود و پس از پایان قصه هم می‌تواند با پرسش و پاسخ و بحث و گفت و گو به گسترش داستان و بحث درباره‌ی پیام‌ها و نتایج آن اقدام کند. توجه به راهبردهایی که در پایان همین قسمت آورده‌ایم موجب گوش دادن مؤثر بچه‌ها خواهد شد.

ب - دانش‌آموزان در نقش قصه‌گو: در این حالت، در جریان قصه‌گویی هر دانش‌آموز، مهارت صحبت کردن او تقویت می‌شود و معلم نیز با دعوت از دیگران برای خوب گوش کردن، مهارت‌های شفاهی زبان کودکان را ارتقا می‌دهد.

ج - شیوه‌ی تلفیق فعالیت معلم و شاگرد: در این شیوه معلم قصه‌گویی خود را متوقف می‌کند و سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد قصه‌ی ناتمام او را تکمیل کنند. هر کدام از بچه‌ها با سلیقه خود قصه‌ی معلم را به پایان می‌رسانند. این روش موجب شکوفایی خلاقیت زبانی دانش‌آموزان شده و آن‌ها از فعالیت‌های زبانی خود احساس رضایت بیش‌تری می‌کنند. همچنین می‌توان قصه را از زبان معلم به پایان برد و از کودکان خواست خلاصه‌ی داستان را با زبان خود «بازگو» کنند.

روش قصه‌گویی دارای فواید زیر است:

- ۱- تقویت مهارت‌های گوش‌دادن مانند دقت، تمرکز توجه، شناخت توالی وقایع.
- ۲- تقویت مهارت‌های صحبت کردن مانند انسجام کلام، تلفظ صحیح واژه‌ها و عبارات، به‌کارگیری صحیح عوامل فرازبانی مثل تأکید، شدت، سکوت، مکث به‌موقع و ...
- ۳- افزایش ذخیره‌ی واژگانی دانش‌آموزان فراتر از محتوای کتاب‌های درسی
- ۴- علاقه‌مندی به «خواندن» متن قصه‌های گفته شده : کودکان به خواندن قصه‌هایی که قبلاً متن شفاهی آن‌را شنیده‌اند یا در فیلم‌ها و کارتون‌ها با مضمون آن‌ها آشنایی پیدا کرده‌اند، علاقه‌ی وافری دارند.

شما به عنوان معلمان دوره‌ی دبستان سعی کنید هنگام استفاده از روش قصه‌گویی راهکارهای زیر را فراموش نکنید :

- الف - از صدای رسا، که به آسانی شنیده می‌شود و نه بلند است و نه آهسته، استفاده کنید.
- ب - قصه را طوری بیان کنید که قسمت‌های هیجان‌آمیز، نگران‌کننده و پیروزی‌بخش آن با لحن و آهنگ مناسب به گوش دانش‌آموزان برسد.

ج - هنگام قصه گویی از ژست های مناسب چهره و حرکات اندام های بدن استفاده کنید.

د - حتماً پس از قصه گویی پرسش و پاسخ و بحث و گفت و گو راه بیندازید تا بچه ها حین قصه گویی شما توجه لازم را داشته باشند.

۴- روش گردش علمی و فرهنگی

برخی تصور می کنند که گردش علمی فقط برای تقویت درس هایی مثل علوم تجربی و تعلیمات مدنی مناسب است. اما به نظر ما گردش علمی و بازدید از مراکز فرهنگی و حتی گذراندن اوقات رسمی درس در فضای طبیعی و در دل کوه ها و کنار رودخانه ها و سبزه زارها، فضای لازم را برای ارتباط زبانی و تقویت این مهارت در دانش آموزان فراهم می کند. آیا تماشای یک تئاتر یا یک فیلم در سینما و یا بازدید از باغ وحش، یک کارخانه، موزه ها، نمایشگاه های خوش نویسی و دیگر آثار هنری و به خصوص کتابخانه ها موجب غنای ذخیره ی واژگانی دانش آموزان نخواهد شد؟

پس از بازدید و پایان گردش علمی و فرهنگی، بچه ها هر کدام گزارش شفاهی کاملی را در کلاس مطرح می کنند که بدین لحاظ نیز قدرت بیان و مهارت صحبت کردن آن ها تقویت خواهد شد.

۵- بازی های آموزشی

علاقه ی بچه ها به بازی مورد پذیرش همه ی ماست و این چیزی است که هیچ فرد عاقلی در صدد کتمان آن برنخواهد آمد. بنابراین بهتر است از این علاقه ی شدید بچه ها به بازی، در امر آموزش مهارت های زبان فارسی نیز به نحو احسن استفاده نماییم.

استفاده از بازی های متنوع آموزشی به یادگیری مهارت های زبانی و ارتباطی منجر خواهد شد. ما در اینجا به فهرست تقریباً مفصلی از بازی های آموزشی که شما می توانید در دوره ی ابتدایی از آن ها استفاده کنید، اشاره خواهیم کرد :

الف - بازی تکرار و سکوت: پس از تدریس درس، دانش آموزان را به دو دسته تقسیم کنید و برای تقویت درک شنیداری آن ها یا ارزش یابی میزان آموخته های ایشان، بخواهید تا هر کدام یک نوع واکنش زبانی از خود نشان دهند. برای نمونه اگر در درس به آموزش واژه های رنگ ها پرداخته اید می توانید به دانش آموزان گروه اول بگویید پس از شنیدن کلمات نامربوط به رنگ سکوت کنند و اگر نام یکی از رنگ ها را شنیدند، آن را تکرار نمایند. به گروه دوم نیز بگویید پس از شنیدن هر کلمه ی نامربوط به رنگ آن نام را تکرار کنند و اگر نام یکی از رنگ ها را شنیدند، سکوت نمایند. سپس کلمات زیر را برایشان بخوانید.

سبز - سیب - گلای - سفید - کتاب - زرد - میز - آبی - لیوان - بنفش
 همچنین می‌توان به کل کلاس گفت همگی کلماتی را که می‌شنوند تکرار کنند به جز کلماتی که
 نام اعضای بدن انسان هستند.

شلوار - مداد - دست - پا - ساعت - کتاب - چشم - قاشق - پسر - گوش
ب - بازی غلطه، آی غلطه: این بازی فقط در کلاس اول کاربرد دارد. در این بازی
 آموزگار، جملاتی را بر زبان می‌آورد و از لحاظ معنایی یا ارتباط شناختی، یک نکته‌ی نادرست در آن
 می‌گنجاند. مثال: «وقتی باران همه‌جا را سفید پوش کرد، بچه‌ها شروع کردند به درست کردن آدم‌برفی»
 دانش‌آموزان در پایان جمله‌ی معلم، تک تک یا دسته‌جمعی، باید نادرستی کاربرد «باران»
 به جای «برف» را اعلام کنند.

ج - بازی مخالف‌ها: در این بازی، معلم به بچه‌ها توضیح می‌دهد که مثلاً سرد مخالف گرم و
 گرم مخالف سرد است. سپس از آن‌ها می‌خواهد هر کلمه‌ای که بر زبان می‌آورد یا می‌نویسد، مخالف
 آن را بگویند یا روی تخته سیاه بنویسند. مثال: سرد ≠ گرم، دور ≠ نزدیک، سفید ≠ سیاه، لاغر ≠ چاق،
 همین بازی را می‌توان در سطح «جمله» نیز انجام داد:
 خانه‌ی ما دور است ≠ خانه‌ی ما نزدیک است.
 برادرم چاق است ≠ برادرم لاغر است.

د - بازی گسترش جمله: در این بازی، آموزگار جمله‌ی ناقص و کوتاهی می‌گوید یا می‌نویسد
 و از سه نفر از دانش‌آموزان می‌خواهد که یکی یکی جمله‌ی او را گسترش دهند و آن را کامل سازند.
 مثال:

معلم: من دیروز...

دانش‌آموز اول: من دیروز به...

دانش‌آموز دوم: من دیروز به مسجد...

دانش‌آموز سوم: من دیروز به مسجد رفتم.

ه - بازی من چه هستم؟ (من کی هستم): معلم یا یکی از شاگردان در ۱۰ جمله به شرح یک
 پدیده مثل باران یا یک شیء مثل رادیو یا یک شخص مثل فردوسی می‌پردازد. آنگاه بقیه‌ی بچه‌ها باید
 نام آن پدیده، شیء یا شخص را حدس بزنند. حدس زدن روی هر جمله امتیاز خاصی دارد:

جمله‌ی ۱	جمله‌ی ۲	جمله‌ی ۳	جمله‌ی ۴	جمله‌ی ۵	جمله‌ی ۶	جمله‌ی ۷	جمله‌ی ۸	جمله‌ی ۹	جمله‌ی ۱۰
۱۰ امتیاز	۹ امتیاز	۸ امتیاز	۷ امتیاز	۶ امتیاز	۵ امتیاز	۴ امتیاز	۳ امتیاز	۲ امتیاز	۱ امتیاز

این بازی را می‌توان به صورت گروه گروه کردن دانش‌آموزان هم انجام داد.

و — بازی بیست‌سؤالی: یکی از دانش‌آموزان یک پدیده (شر، خوراکی، شخص) را انتخاب می‌کند و نام آن را در گوش معلم می‌گوید یا روی کاغذی نوشته و آن را امضا می‌کند. سپس بقیه‌ی بچه‌ها می‌توانند با پرسیدن سؤال از او نام آن پدیده را حدس بزنند. معلم باید بچه‌ها را هدایت کند که با سؤالات مناسب مانند جنس (شیشه‌ای، چوبی، پارچه‌ای، فلزی و...)، اندازه (بزرگ، کوچک، در جیب جا می‌گیرد و...)، جاندار و بی‌جان و از این قبیل سؤالات به هدف خود برسند.

ز — بازی صحبت کردن در گوشی: بچه‌ها صحبت در گوشی را خیلی دوست دارند. معلم یک جمله را در گوش اولین دانش‌آموز می‌گوید و دانش‌آموز باید جمله را به دانش‌آموز بعدی بگوید و همین‌طور تا آخرین دانش‌آموز این کار ادامه می‌یابد. سپس معلم از اولین کودک و آخرین کودک درخواست می‌کند که جمله را با صدای بلند تکرار کنند. این تمرین باعث می‌شود قدرت حفظ و نگه‌داری عناصر زبانی در بچه‌ها تقویت شود.

ح — بازی پیدا کردن نام داستان: داستان کوتاهی برای دانش‌آموزان تعریف کنید. از آن‌ها بخواهید برای داستان، «عنوان» مناسب انتخاب کنند. این بازی موجب شکوفایی قدرت اندیشه و خلاقیت زبانی دانش‌آموزان خواهد شد؛ در ضمن کودکان برای این که بتوانند نام خوبی برای داستان انتخاب کنند، به خوبی به حرف‌های معلم، «توجه» می‌کنند و از این طریق یکی از مهارت‌های گوش دادن که دقت و توجه به سخنان گوینده است، در آن‌ها تقویت می‌شود.

فعالیت: به کمک دوستان خود چند داستان کوتاه را که می‌تواند برای بازی یاد شده مورد استفاده قرار گیرد، در اینجا بنویسید.

.....

.....

.....

.....

ط — بازی تشخیص صدا: برای تقویت قدرت تمیز شنوایی دانش‌آموزان خود از این بازی استفاده کنید. از بچه‌ها بخواهید چشم‌های خود را ببندند. سپس به یکی از آن‌ها بگویید، صحبت کند. بقیه‌ی بچه‌ها باید نام دوست خود را که صحبت کرده است، حدس بزنند.

ی — بازی چی مال چیه (یا چی مال کیه و چی مال کجاست؟): در این بازی روابط مصداق‌های موجود در محیط زندگی کودک و محیط بزرگ ایران را مورد پرسش قرار دهید تا

کودک به کمک عناصر زبانی، به تفکر و ادای پاسخ تشویق شود :

چشم ← برای دیدن است.

گَز ← مال اصفهان است.

هواپیما ← خلبان دارد.

کشتی ← ناخدا دارد.

زیره ← محصول کرمان است.

غار علی صدر ← در همدان است.

گلاب ← مال کاشان است.

شاهنامه ← اثر فردوسی است.

جوهر ← در خودکار است.

نمره‌ی خوب ← برای دانش‌آموز خوب است.

ک - بازی پخش اخبار: معلم خبر کوتاهی را، به زبان گفتاری، به دانش‌آموزان می‌دهد.

مثل: «دیشب در شهرهای شمالی بارون زیادی باریده».

سپس از آنان می‌خواهد که به‌عنوان گوینده‌ی خبر رادیو یا تلویزیون، آن خبر را بخوانند. با این نوع تمرین کودکان از تفاوت زبان گفتاری فارسی و فارسی نوشتاری آگاهی پیدا می‌کنند؛ مثلاً یاد می‌گیرند که تلفظ «بارون» در فارسی نوشتاری «باران» است. و به‌جای «باریده» نیز باید «باریده است» بخوانند.

۶- روش کتاب‌خوانی

کتاب‌خوانی در کلاس اول توسط معلم انجام می‌گیرد ولی در کلاس‌های دوم تا پنجم بهتر است خود دانش‌آموزان آن را انجام دهند.

در کلاس اول، بهتر است معلم، علاوه بر کتاب درسی در ساعاتی از هفته، کتاب‌های دیگری نیز، اعم از کتاب‌های داستانی، کتاب‌های علمی، تاریخی و بهداشتی را که به زبان ساده نوشته شده‌اند، برای بچه‌ها روخوانی کند. از این طریق مهارت گوش دادن بچه‌ها تقویت می‌شود، ذخیره‌ی واژگانی آن‌ها افزایش می‌یابد؛ علاقه‌ی آن‌ها به کتاب خواندن و مطالعه بیش‌تر می‌شود و اشتیاق و آفری برای باسواد شدن و قدرت خواندن انفرادی در آن‌ها به‌وجود می‌آید.

در هنگام خواندن کتاب، معلم باید آهنگ جمله‌های خبری، پرسشی و مواردی مثل تأکید و مکث را در جاهای لازم به‌خوبی رعایت کند. همچنین در مواقع لازم با تکرار برخی جمله‌ها یا

پرسیدن از بچه‌ها، استمرار توجه دانش‌آموزان را به متن کتاب حفظ و تقویت کند و بالاخره در پایان خواندن کتاب، با طرح سؤالات مناسب یا ایجاد فضای گفت‌وگو در کلاس و یا خواستن از بچه‌ها که به بازگویی مطالب بپردازند یا خلاصه‌ای از آنچه را شنیده‌اند بیان کنند. یک‌بار دیگر بر مطالب خوانده شده تأکید کند تا تثبیت یادگیری به‌نحو احسن صورت پذیرد.

در کلاس اول، تشویق بچه‌ها به خواندن کتاب‌های تصویری می‌تواند سرآغاز تشویق آن‌ها به مطالعه و کتاب‌خوانی باشد. لازم است بچه‌ها را راهنمایی کنید تا به‌صورت هدف‌دار کتاب‌های تصویری را بخوانند. از آن‌ها بخواهید برداشت خود را از کتاب برای دوستان و هم‌کلاسی‌ها بیان کنند. همچنین در صورت وجود وقت کل داستان را برای دیگران بازگو نمایند. پس از این عمل شما از دیگر بچه‌ها نیز بخواهید داستان را بازگو نمایند.

از کلاس دوم تا پنجم، آموزگاران سعی کنند، با معرفی یا غنی ساختن کتابخانه‌ی کلاس و مدرسه، برنامه‌ای منظم برای مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی بچه‌ها فراهم کنند. با برگزاری مسابقات خلاصه‌شفاهی یا خلاصه‌نویسی کتاب و یا مسابقه‌ی سراسری بین همه بچه‌ها، تشویق آن‌ها به پرسشگری و دقت در مطالب کتاب‌ها، مهارت خواندن آن‌ها را تقویت نمایند. بازگو کردن موضوع کتاب در کلاس، خود موجب رشد مهارت شفاهی زبان دانش‌آموزان خواهد شد.

۷- روش سخن‌رانی

با این‌که روش سخن‌رانی در امر آموزش دارای سابقه‌ای طولانی است، استفاده از آن در دوره‌ی ابتدایی، به‌ویژه در آموزش مهارت‌های زبان فارسی، از کارایی چندانی برخوردار نیست. چرا که زبان یک پدیده‌ی ارتباطی است و در آموزش آن یاددهنده و یادگیرنده باید با هم در تعامل باشند درحالی‌که سخن‌رانی روش یک‌طرفه است و به همین لحاظ در آموزش زبان کارایی خوبی ندارد. با این حال، ما این روش را به اختصار برای شما دانشجو - معلمان معرفی می‌کنیم تا در اندک مواردی که امکان استفاده از آن فراهم شده بتوانید به‌نحو بهتری در فعالیت‌های یاددهی - یادگیری زبان فارسی از آن سود ببرید.

اساس روش سخن‌رانی، بیان شفاهی مطالب از طرف معلم و گوش دادن و یادداشت‌برداری از طرف شاگرد است. ضعف اصلی این روش، فعال و متکلم‌وحده بودن معلم از یک‌سو و غیرفعال بودن دانش‌آموزان از سوی دیگر است. درواقع در روش سخن‌رانی، انتقال پیام‌های آموزشی به‌صورت یک جریان فکری یک‌طرفه از معلم به شاگرد است. به نظر نویسنده در آموزش زبان فارسی بهتر است از روش سخن‌رانی فقط در دو مرحله استفاده کنید: ۱- مرحله‌ی جلب توجه و آگاه کردن دانش‌آموزان

نسبت به اهداف و مراحل کار در آغاز جلسه‌ی درس و ۲- مرحله‌ی خلاصه کردن و بیان نتایج فعالیت‌های یاددهی - یادگیری در پایان درس.

۸- روش بحث گروهی

در روش بحث گروهی، دانش‌آموزان درباره‌ی یک موضوع که مورد علاقه‌ی مشترک همه‌ی آن‌هاست بحث و گفت‌وگو می‌کنند. اگر دانش‌آموزان کلاس شما تا ۲۰ نفر بودند می‌توانید از این روش استفاده کنید، اما اگر بیش از ۲۰ دانش‌آموز داشتید، آن‌ها را به گروه‌های کوچک ۵ تا ۷ نفر تقسیم کنید.

حسن این روش آن است که شاگردان در فعالیت یاددهی - یادگیری فعالانه شرکت می‌کنند و مسئولیت یادگیری را خود برعهده می‌گیرند. آن‌ها در جریان بحث با افراد گروه خود و یا گروه‌های دیگر، یاد می‌گیرند که چگونه تفکرات و بینش‌ها و نظرات خود را به دیگران ابراز کنند، چگونه از آن‌ها دفاع کنند و یا چگونه مؤدبانه نظرات دیگران را بپذیرند. این روش در امر تقویت توانش ارتباطی دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. آن‌ها با این روش یاد می‌گیرند که :

الف - عقاید خود را در قالب بیانات شفاهی سازماندهی و ابراز کنند.

ب - اندیشه‌های دیگران را با گوش دادن دقیق به صحبت‌هایشان دریافت و ارزیابی کنند.

ج - تفکر انتقادی و بالعکس انتقادپذیری را در خود پرورش دهند.

د - روش‌های ایجاد رابطه‌ی مطلوب اجتماعی از راه زبان شفاهی را درست به کار ببرند.

اگر بین دانش‌آموزان شما، بچه‌های کم‌حرف وجود دارند سعی کنید ضمن بحث آن‌ها را به مشارکت در گفت‌وگوی گروهی تشویق کنید. به آن‌ها یاد بدهید که به‌جای شما، بچه‌های دیگر را به‌عنوان طرف صحبت انتخاب کنند. درمقابل، بسیار مهم است که به بچه‌های پرحرف هم گوش‌زد کنید که انسان در ارتباطات زبانی باید هم‌گوینده‌ی خوب و هم شنونده‌ی خوبی باشد. درواقع رعایت نوبت در صحبت کردن و خوب گوش دادن به سخنان دیگران از مهم‌ترین مهارت‌های ارتباطی است که دانش‌آموزان لازم است بیاموزند.

درواقع روش بحث گروهی، دانش‌آموزان را برای مشارکت مفید در فعالیت‌های اجتماعی آماده می‌کند و به آن‌ها می‌آموزد که به دقت گوش کنند و با دقت صحبت کنند؛ از این طریق می‌توان انتظار داشت که از پدید آمدن سوء تفاهم‌های بیهوده در خانواده و اجتماع جلوگیری خواهد شد.

۹- روش حفظ و تکرار

روش حفظ و تکرار از روش‌هایی است که قرن‌هاست در جوامع انسانی کاربرد دارد. در این روش به حافظه سپردن مطالب و تکرار آن‌ها، و به اصطلاح پس دادن مطلب به معلم، مهم‌ترین کار تلقی می‌شود. در این روش، معلم درس را به صورت شفاهی ارائه می‌دهد یا از روی کتاب، به صورت مکتوب، به دانش‌آموزان انتقال داده می‌شود و وظیفه‌ی شاگرد این است که با تکرار و حفظ کردن مطالب، آماده‌ی یادآوری و بازگویی مطالب شود.

هر چند به علت مکانیکی بودن این روش که عدم فعالیت واقعی شاگردان را به دنبال دارد از این روش انتقادات زیادی شده است اما در برخی موارد مثل یادگیری ترتیب حروف الفبا، اشعار، معنای لغات جدید، نام نویسندگان، شاعران و کتاب‌های آن‌ها، برخی تعاریف دستوری و مواردی از این قبیل روشی مناسب به نظر می‌رسد.

برخی راهبردهای استفاده از روش حفظ و تکرار

- ۱- فرصت تمرین و تکرار را برای همه‌ی دانش‌آموزان به صورت یکسان توزیع کنید.
- ۲- با تشکیل گروه‌های ۲ نفره، یک دانش‌آموز قوی و یک دانش‌آموز ضعیف، از توان شاگردان برای تقویت یکدیگر استفاده کنید.
- ۳- مطمئن شوید مواردی از درس که دانش‌آموزان می‌خواهند حفظ کنند، برای آن‌ها معنادار است. مثلاً قبل از این که بخواهید شعری را حفظ کنند حتماً مطمئن شوید که معنای شعر و پیام اصلی شاعر را درک کرده‌اند.
- ۴- به دانش‌آموزان یاد دهید که هنگام حفظ کردن مطالب لازم است همه‌ی عوامل حواس پرتی از جمله رادیو، تلویزیون و افکار پریشان را از خود دور کنند.
- ۵- به دانش‌آموزان یاد دهید که هنگام حفظ کردن از روش «تقطیع» استفاده کنند مثلاً برای حفظ کردن ۳۲ حرف الفبای فارسی در آغاز ۴ حرف اول، سپس ۸ حرف اول، بعد ۱۲ حرف، سپس ۱۶ حرف، بعد ۲۰ حرف، سپس ۲۴ حرف، بعد ۲۸ حرف و در نهایت ۳۲ حرف را حفظ کنند.
- ۶- به دانش‌آموزان تفهیم کنید که سرعت حفظ کردن افراد با هم متفاوت است. پس کسی نباید از تلاش خود ناامید شود، بلکه باید آن قدر تکرار و تمرین کند تا مطالب لازم را حفظ نماید.
- ۷- به دانش‌آموزان بیاموزید که موقع حفظ کردن عادت کنند مطالب را به خود پس دهند یعنی به یک نوع خودارزیابی دائم دست بزنند تا مطالب را کاملاً حفظ شوند.

۱۰- روش حل مسئله

روش حل مسئله جزو روش‌های شاگردمحور و فعال محسوب می‌شود. این روش دارای پنج مرحله است:

- مرحله‌ی اول: طرح مشکل یا روبه‌رو ساختن شاگردان با مسئله
- مرحله‌ی دوم: هدایت دانش‌آموزان برای جمع‌آوری اطلاعات
- مرحله‌ی سوم: تشویق آن‌ها به فرضیه‌سازی
- مرحله‌ی چهارم: نظارت بر فرضیه‌آزمایی دانش‌آموزان
- مرحله‌ی پنجم: نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد

کاربرد روش حل مسئله در آموزش مهارت‌های شفاهی یا مهارت خواندن

مرحله‌ی اول: طرح مشکل؛ معلم بچه‌ها را با مسئله یا مشکلی مواجه می‌کند تا آن‌ها خود را برای حل آن مشکل آماده کنند و انگیزه‌ی لازم در ایشان جهت تفکر و ارتباط شفاهی یا خواندن مطالب فراهم شود. در این مرحله، آنان برای این که خوب به مسئله پی ببرند، مجبور می‌شوند به دقت به حرف‌های معلم گوش کنند که این امر خود موجب تمرکز توجه آن‌ها خواهد شد. ابزارهای لازم: معلم می‌تواند برای طرح مشکل از لوحه، چارت، عکس، تخته‌سیاه یا بیان شفاهی استفاده کند.

مرحله‌ی دوم: هدایت دانش‌آموزان برای جمع‌آوری اطلاعات؛ دانش‌آموزان پس از مواجه شدن با مشکل، باید اطلاعات لازم را جهت حل آن جمع‌آوری کنند. در آموزش مهارت‌های زبان فارسی از این مرحله می‌توان سود فراوان برد؛ چرا که می‌توانید دانش‌آموزان را هدایت کنید از دو راه زیر به جمع‌آوری اطلاعات اقدام کنند:

۱- گفت‌وگو و پرسش و پاسخ با یکدیگر

۲- خواندن و مطالعه‌ی منابعی که قبلاً برای اجرای روش حل مسئله آماده کرده‌اید.

بدیهی است هر دو راه یاد شده به تقویت مهارت‌های شفاهی (صحبت کردن و گوش دادن) و مهارت خواندن دانش‌آموزان منجر خواهد شد. بدیهی است وقتی ارتباط زبانی و خواندن متن هدف‌دار باشد (حل مسئله) دانش‌آموزان بیش از پیش با عناصر زبانی درگیری فکری پیدا می‌کنند و به شکلی عمیق‌تر از مهارت‌های ارتباطی و مهارت خواندن استفاده می‌کنند. این امر خود به خود موجب رشد و غنای مهارت‌های زبانی آن‌ها خواهد شد.

مرحله‌ی سوم: فرضیه‌سازی؛ فرضیه در این جا به معنی ارائه‌ی دلایل احتمالی وجود مشکل یا مسئله‌ی مطرح شده است. هر دانش‌آموز به صورت انفرادی و یا در قالب گروه‌های کوچک، با

اطلاعاتی که حاصل گفت و گو یا خواندن است، دلایل احتمالی مسئله را پیدا می کند. در این مرحله نقش معلم این است که بدون این که به فرضیه‌ی اصلی (راه حل درست مسئله) اشاره کند، دانش آموزان را در ساختن فرضیه‌های خود (چه درست و چه غلط) یاری نماید.

مرحله‌ی چهارم: فرضیه‌آزمایی؛ در این مرحله، دانش آموزان به صورت انفرادی یا در گروه‌های کوچک به آزمایش و به اصطلاح تست کردن فرضیه‌های خود می پردازند. معلم در نقش راهنما، هر فرضیه را با مشارکت دیگر دانش آموزان ارزیابی می کند، سپس فرضیه‌ی درست را در یک طرف تابلو و فرضیه‌های غلط را در طرف دیگر تابلو می نویسد؛ سپس از دانش آموزان می خواهد، برای صحت فرضیه‌ی درست و نادرستی فرضیه‌های غلط، استدلال کنند.

مرحله‌ی پنجم: نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد؛ در این مرحله، ابعاد مختلف مسئله یا مشکل مطرح شده مورد بحث قرار می گیرد و دانش آموزان کاربردهای عملی موضوع و مسئله‌ی مطرح شده را مورد بررسی یا تمرین قرار می دهند.

نمونه‌ای برای کاربرد روش حل مسئله (دانش آموزان پایه‌ی چهارم و پنجم دبستان)

مرحله‌ی اول – طرح مشکل

مسئله: چرا میزان کتاب خوانی در کشور ما کم است؟

مرحله‌ی دوم – هدایت دانش آموزان برای جمع آوری اطلاعات: معلم دانش آموزان را هدایت می کند که در گروه‌های ۴ تا ۶ نفره با هم مشورت کنند. در هر گروه پس از گفت و گو و مشورت مواردی مطرح می شود. این گفت و گوها خود به تقویت مهارت‌های زبانی و ارتباطی دانش آموزان منجر می شود. اگر ممکن باشد معلم می تواند به بچه‌ها فرصت دهد تا آن‌ها برای روز بعد، ضمن مشورت با والدین و افراد دیگر، اطلاعات بیش تری در این زمینه جمع آوری کنند.

مرحله‌ی سوم – فرضیه‌سازی: پس از طی مرحله‌ی جمع آوری اطلاعات، به گروه‌ها بگویید فرضیه‌های خود را در خصوص عدم استقبال مردم از کتاب و کتاب خوانی روی یک کاغذ بزرگ بنویسند. احتمالاً بچه‌ها دلایل زیر را یادداشت خواهند کرد.

- | گروه (۱) | گروه (۲) | گروه (۳) |
|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------------|
| ۱- گرانی کتاب | ۱- کمبود کتابخانه‌های عمومی | ۱- کمبود وقت به علت کار کردن زیاد |
| ۲- وجود تلویزیون در خانه‌ها | ۲- بی سوادی برخی مردم | ۲- عادت نکردن به مطالعه |
| ۳- کمبود کتاب‌های خوب | ۳- گرانی کتاب | ۳- کمبود کتابخانه‌های عمومی |

مرحله‌ی چهارم — فرضیه‌آزمایی: در این مرحله نوبت به آزمایش یا تست کردن فرضیه‌های مرحله‌ی سوم می‌رسد. معلم در نقش راهنما، تابلوی کلاس را به دو قسمت تقسیم می‌کند. یک قسمت را به علل مربوط به جامعه و یک قسمت را به علل مربوط به مردم اختصاص می‌دهد. سپس از هر گروه می‌خواهد نظرات خود را بخوانند. پس از خواندن هر علت از سوی یک گروه، از کل کلاس نظرخواهی می‌کند که آیا این فرضیه صحت دارد یا نه؛ سپس فرضیه‌های صحیح را در قسمت‌های مربوط می‌نویسد.

به نام خدا	
علل کمبود میزان کتاب‌خوانی در ایران	
دلایلی که به مردم مربوط است	دلایلی که به جامعه مربوط است
۱- بی‌سوادی بخشی از جامعه ایران	۱- گرانی کتاب
۲- عادت نکردن به مطالعه و عدم درک ضرورت آن	۲- کمبود کتاب‌خانه‌های عمومی
۳- کمبود وقت به علت کار کردن زیاد	

مرحله‌ی پنجم — نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد: در این مرحله نتیجه‌گیری کلی با خلاصه کردن مسئله و علل آن توسط بچه‌ها انجام می‌شود. سپس معلم با مشارکت دانش‌آموزان خود به بحث بیش‌تر در زمینه‌ی موارد و علل مطرح شده می‌پردازد.

تذکر: از درون این مسئله، مسئله‌ی دیگری به‌دست می‌آید و آن راه‌حل‌های ایجاد یک جامعه‌ی کتاب‌خوان و توسعه‌ی کتاب‌خوانی در کشور است که معلم می‌تواند آن را به عنوان دستمایه‌ی طرح مسئله در یک جلسه قرار دهد و دانش‌آموزان به دنبال مطالعه، فرضیه‌سازی و فرضیه‌آزمایی در آن خصوص، مسئله را تعقیب نمایند.

دو زبانگی و راهبردهای آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه

دانش‌آموز کلاس اول ابتدایی از آغاز ورود به مدرسه با افراد مختلف در تماس زبانی قرار می‌گیرد. مدیر و ناظم مدرسه او را راهنمایی، تشویق و گاهی نیز تهدید می‌کنند. معلم در قالب برنامه‌ی درسی و در مقام ارائه‌ی محتوای کتاب‌های درسی او را مورد خطاب قرار می‌دهد و دانش‌آموزان

دیگر با اهداف گوناگون با او سخن می‌گویند. در نخستین روزها محیط مدرسه و کلاس درس برای بسیاری از کودکان تا اندازه‌ی بیگانه، غریب و گاهی دهشتناک است. خو گرفتن دانش‌آموز با این محیط نیاز به همراهی و همدلی و هم‌زبانی اولیای مدرسه با وی دارد. در شهرها و روستاهایی که زبان فارسی به‌عنوان زبان رایج محلی مورد استفاده است، این همراهی و همدلی و هم‌زبانی به راحتی قابل حصول است. لیکن در مناطق دو زبانه که کودکان در منزل با زبان محلی خود سخن می‌گویند و در مدرسه زبان فارسی حاکم است، شرایط به گونه‌ی دیگری است.

برخورد مناسب اولیای مدرسه، به‌ویژه معلم، با کودک غیر فارسی‌زبان بی‌تردید مهم‌ترین عاملی است که موجب علاقه‌مندسازی کودکان و افزایش انگیزه‌ی آن‌ها به یادگیری خواندن و نوشتن به زبان فارسی خواهد شد. به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری مناسب در امر آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه یکی دیگر از عوامل مؤثر در تحکیم علاقه و انگیزه‌ی دانش‌آموزان به یادگیری مهارت خواندن و نوشتن فارسی می‌باشد.

در این قسمت از کتاب به اختصار به پدیده‌ی دو زبانی و بهترین راهبردهای تقویت زبان فارسی در مناطق دو زبانه می‌پردازیم. هر چند بر این اعتقاد پای می‌فشاریم که برنامه‌ی درسی و مواد آموزشی ویژه‌ی آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه باید به صورت جداگانه و متفاوت با برنامه کتاب‌های درسی مناطق فارسی زبان تهیه و تنظیم شود. اما تا آن زمان همواره معلمان این مناطق باید راهبردهایی را در پیش گیرند تا دانش‌آموزان خویش را با مشکلات کمتری به سوی یادگیری خواندن و نوشتن زبان فارسی، رهنمون شوند. این قسمت در واقع در پی ارائه‌ی برخی از این راهبردها می‌باشد.

دو زبانی

دو زبانی موقعیتی است که ایجاب می‌کند، در آن، شخص به منظور ارتباط با دیگران از دو یا چند زبان استفاده کند. در این صورت آن شخص را دو زبانه می‌نامیم. دو زبانی از ابعاد گوناگون قابل بحث و تقسیم‌بندی است:

۱- نوع یادگیری زبان اول و دوم: اگر شخص دو زبانه از راهی به جز «آموزش» بر دو زبان مسلط شود، با دو زبانی طبیعی روبه‌رو خواهیم بود. در شهرهایی از ایران، مثل تبریز و سنندج و رشت هم تکلم به زبان فارسی و هم، به ترتیب، گویش‌های ترکی و کردی و گیلکی رایج است. بیش‌تر افراد در این شهرها به‌طور طبیعی بر زبان فارسی و گویش محلی خود مسلط می‌شوند و به اصطلاح «دو زبانه» هستند. اما اگر شخص از طریق آموزش بر زبانی غیر از زبان محلی خود مسلط شود، این حالت را دو زبانی غیرطبیعی یا آموزشی می‌نامیم. مانند دانش‌آموزان روستاهای اردبیل و تبریز و

کردستان که از طریق مدرسه با زبان فارسی آشنا می‌شوند. زیرا در جامعه‌ی آن‌ها تکلم به زبان فارسی رایج نیست.

۲- میزان تسلط بر زبان اول و دوم: اگر شخص بر هر دو زبان در تمام ابعاد، تسلطی یکسان داشته باشد دارای شرایط دو زبانی همپایه است اما اگر تنها بر یکی از دو زبان تسلط کامل داشته و زبان دیگر را ناقص آموخته باشد و آن را با تأثیر از زبان اول مورد استفاده قرار دهد، دارای شرایط دو زبانی ناهمپایه است.

در دو زبانی همپایه، شخص دو زبانه بر عناصر و قواعد و کلاً نظام هر دو زبان اول و دوم مسلط است و این دو نظام در هم تداخل نمی‌کنند مانند برخی ساکنان تهران که هم به لهجه‌ی فارسی تهرانی مسلط‌اند و هم به راحتی از زبان مادری خود استفاده می‌کنند بدون آن که زبان مادری‌شان، در صحبت کردن آن‌ها به فارسی تداخل ایجاد کند. اما در دو زبانی ناهمپایه، الگوهای زبان مادری همواره در هنگام کاربرد زبان دوم ظاهر می‌شوند و باعث می‌گردند که شخص زبان دوم را با لهجه‌ای متأثر از زبان یا لهجه‌ی مادری خود صحبت کند. مانند بیش‌تر یزدی‌ها و اصفهانی‌ها.

۳- مکان و موقعیت کاربرد زبان اول و دوم: جایگاه استفاده از زبان اول و دوم نیز به عنوان سومین ملاک در تقسیم‌بندی دو زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر فرد دو زبانه از یکی از زبان‌ها در خانه و از دیگری در مدرسه استفاده کند، دارای شرایط «دو زبانی مدرسه‌ای» است. برای مثال، مانند دانش‌آموزان ارومیه، مهاباد و کرمانشاه که از زبان فارسی فقط در مدرسه و برای آموزش و یادگیری استفاده می‌کنند.

اما اگر فرد دو زبانه از زبان اول در خانه و از زبان دوم در کوچه و بازار و خارج از منزل استفاده کند، دارای شرایط دو زبانی خیابانی است. مانند ترک زبان‌ها یا ارمنی‌های ساکن تهران یا فارسی‌زبان‌های ساکن اردبیل و سنندج.

۴- میزان تسلط بر گونه‌های شفاهی و مکتوب زبان اول و دوم: اگر شخص به هر چهار مهارت زبانی - یعنی گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن - هم در زبان اول و هم در زبان دوم مسلط باشد، برای او شرایط «دو زبانی کامل» مهیا شده است. اما اگر تنها بر دو مهارت گفتن و گوش دادن مسلط باشد، «دو زبانی شفاهی» بروز می‌کند؛ مانند یک روستایی بی‌سواد، مثلاً زنجان، که فقط بر مهارت‌های شفاهی زبان فارسی و گویش ترکی مسلط است.

گاهی شخص فقط بر مهارت‌های خواندن و نوشتن زبان دوم مسلط است مانند بسیاری از ایرانیان که فقط می‌توانند به زبان انگلیسی بخوانند و بنویسند؛ در این حالت دو زبانی کتبی روی داده است.

اکنون، به لحاظ موضوع این کتاب، باید بگوییم که برنامه‌ی آموزش زبان فارسی در دوره‌ی ابتدایی در مناطق دو زبانه باید در پی دستیابی دانش‌آموزان این مناطق به چهار نوع دو زبانی به شرح زیر باشد :

۱- دو زبانی آموزشی یا غیرطبیعی

۲- دو زبانی همپایه

۳- دو زبانی مدرسه‌ای

۴- دو زبانی کامل (هم شفاهی و هم مکتوب)

فعالیت: به مفاهیم دو زبانی که در صفحات پیشین گفته شد، توجه کنید ؛ اینک با توجه به محل زندگی خود جدول زیر را کامل نمایید.

نام استان:	شهرستان:
دانش‌آموزان منطقه‌ی شما دارای کدام شرایط زیر هستند؟	
نوع یادگیری زبان فارسی :	طبیعی ☐ آموزشی ☐
میزان تسلط بر زبان فارسی :	دو زبانی همپایه ☐ دو زبانی ناهمپایه ☐
مکان کاربرد زبان فارسی :	خانه ☐ مدرسه ☐ خیابان ☐
میزان تسلط بر گونه‌های شفاهی و مکتوب زبان فارسی	دو زبانی شفاهی ☐ دو زبانی مکتوب ☐ دو زبانی کامل ☐

ضرورت توجه ویژه به آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه

مطابق اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کتاب‌های درسی باید به زبان رسمی کشور، یعنی فارسی، نوشته شود. بنابراین تمام دانش‌آموزان دبستانی در سراسر کشور باید به این زبان مسلط شوند تا بتوانند از محتوای مندرج در کتاب‌های درسی استفاده کنند. دانش‌آموزان دبستانی در بدو ورود به این دوره از لحاظ تسلط بر زبان فارسی در یکی از چهار دسته‌ی زیر جای می‌گیرند :

دسته‌ی اول : کودکانی که تا حد بسیار زیاد و مطلوب بر زبان فارسی معیار مسلط‌اند مانند کودکان تهرانی

دسته‌ی دوم : کودکانی که دارای یک لهجه‌ی محلی فارسی هستند مانند دانش‌آموزان یزدی، اصفهانی، کرمانی و مشهدی.

دسته‌ی سوم : کودکانی که هم بر یک گویش محلی تسلط کامل دارند و هم تا اندازه‌ی زیادی بر زبان فارسی مسلط می‌باشند مانند کودکان تبریزی

دسته‌ی چهارم : کودکانی که تنها بر گویش محلی خود تسلط دارند و آشنایی آن‌ها با زبان فارسی اندک است، مانند کودکان روستاهای اردبیل یا کردستان و ...

در خصوص دانش‌آموزان دسته‌ی اول، دوم و سوم با مشکلات حادی روبه‌رو نیستیم. زیرا به هر حال آن‌ها بر مهارت‌های شفاهی زبان فارسی (گوش دادن و سخن گفتن) مسلط‌اند و مهارت‌های خواندن و نوشتن را نیز می‌توان به آن‌ها با فنون و راهبردهای مختلف آموخت. مشکل اصلی بر سر راه معلمي است که وظیفه‌ی آموزش به دانش‌آموزان دسته‌ی چهارم را بر عهده دارند. این معلمان علاوه بر آموزش مهارت‌های خواندن و نوشتن می‌بایست با فعالیت بیش‌تر و تا اندازه‌ی زیادی متفاوت با دیگر همکاران خویش، مهارت‌های شفاهی زبان فارسی، یعنی گوش دادن و سخن گفتن را نیز به شاگردان خود بیاموزند.

بنابراین در شرایطی، آموزش زبان شفاهی فارسی خود جزء اهداف اصلی برنامه‌ی آموزش ابتدایی در مناطق دو زبانه محسوب می‌شود و می‌دانیم که بدون کسب مهارت‌های شفاهی زبان فارسی، دانش‌آموزان نه تنها مهارت‌های خواندن و نوشتن را به خوبی نمی‌آموزند بلکه در درس‌های دیگر مانند ریاضیات، علوم، تعلیمات دینی و اجتماعی نیز که دارای محتوا و مفاهیمی به زبان فارسی هستند، توفیق چندانی نخواهند یافت. حتی می‌توان گفت کمبود دانش زبان فارسی کودکان دوره‌ی ابتدایی در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان نیز در کیفیت نازل آموزش آن‌ها اثر خواهد داشت.

راهبردهای آموزش زبان فارسی به کودکان مناطق دو زبانه^۱

از دیدگاه زبان‌شناسان و محققان آموزش زبان یادگیری زبان دوم در سه مرحله‌ی زیر صورت می‌گیرد :

مرحله‌ی اول : کودک با زبان دوم (فارسی) در تماس قرار می‌گیرد و آن را «پذیرا» می‌شود.
مرحله‌ی دوم : کودک به کمک تمرین‌های آگاهانه و طراحی شده (تمرین‌های تحت هدایت معلم) و یا ضمن کاربرد زبان فارسی به‌طور طبیعی (تمرین‌های غیررسمی در مدرسه و خیابان و خانه) اطلاعات زبان فارسی را در ذهن خود ذخیره می‌کند.

۱- رویکردها و روش‌های آموزش زبان را در فصل هفتم از کتاب «روش تدریس زبان فارسی» - انتشارات سمت - به‌طور مفصل شرح داده‌ایم. لذا در این کتاب تنها به راهبردهای تقویت مهارت‌های زبان فارسی دانش‌آموزان اشاره می‌کنیم.

مرحله‌ی سوم : کودک از دانش کسب شده‌ی خود در تولید زبان فارسی به صورت گفتار یا نوشتار و در درک زبان فارسی به صورت گوش دادن یا خواندن استفاده می‌کند.

دانشی را که به کمک تمرین‌های تحت هدایت معلم آموخته می‌شود، «دانش زبانی صریح» و دانشی را که ضمن شرایط طبیعی به کمک تمرین‌های غیررسمی در مدرسه و خیابان و خانه آموخته می‌شود، «دانش زبانی ضمنی» می‌نامیم. طبعاً لازم است برنامه و کتاب درسی مستقلی برای آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه تهیه شود تا چگونگی کسب دانش زبانی صریح توسط مؤلفان طراحی و تحت هدایت معلم اجرا شود؛ اما چون تا زمان انتشار این کتاب هنوز چنین شرایطی فراهم نیست، به معلمان این مناطق خصوصاً آموزگاران پایه‌ی اول ابتدایی توصیه می‌کنیم راهبردهای زیر را مورد توجه قرار دهند :

۱- راهبرد نمایش عملی

موضوع آموزشی: ضمائر من، تو، او، ما، شما، آن‌ها، این، آن، افعال داشتن، ایستادن، نشستن، بودن، گوش دادن، حرف زدن، برداشتن، گذاشتن، دادن، گرفتن، واژه‌های کتاب، صندلی، معلم، شاگرد، روی، زیر، کنار، میز، حالا، از

شیوه‌ی کار:

۱- با اشاره به صندلی بپرسید : این چیست؟

این صندلی است.

با همه‌ی دانش‌آموزان این سؤال و جواب را تکرار کنید.

۲- با ایستادن کنار صندلی و نشستن روی صندلی، کلمات من، ایستادن، نشستن، کنار و روی را آموزش دهید.

۳- با اشاره به کتاب و میز مانند تمرین (۱) اسم آن‌ها را به بچه‌ها بیاموزید. سپس کتاب را از روی میز بردارید و بگویید : «کتاب روی میز است. حالا من کتاب را از روی میز برمی‌دارم. آیا حالا کتاب روی میز است؟» با اشاره به کتابی که در دست دارید بگویید : «من کتاب دارم». سپس آن را روی میز بگذارید و بگویید : «من کتاب ندارم. آن را روی میز گذاشتم.»

۴- کتاب را به یکی از دانش‌آموزان بدهید : «من به تو کتاب دادم. تو کتاب را از من گرفتی. حالا تو کتاب داری. من کتاب ندارم.»

این تمرین را با همه‌ی بچه‌ها انجام دهید. با ابتکار خود جملات خبری، پرسشی و حتی جملات امری هم می‌توانید بسازید. مثال : کتاب را به حسن بده. کتاب را به من بده.

۵- بچه‌ها من فارسی حرف می‌زنم. شما به من گوش می‌دهید. در این کلاس با هم فارسی حرف بزنیم. من چه کار می‌کنم؟
 بله، من فارسی حرف می‌زنم.
فعالیت: چند تمرین برای آموزش ضمیر آن‌ها، ما، من، تو و افعال برداشتن، گذاشتن، کلمات روی، زیر، کنار تهیه کنید:

.....

فعالیت: چند تمرین برای آموزش افعال رفتن، آمدن، بستن، باز کردن، در، پنجره در قالب جملات خبری، پرسشی و امری تهیه کنید:

.....

۲- راهبرد نگاه کن و بگو

موضوع آموزشی: واژه‌هایی که قابلیت به تصویر کشیدن دارند. با نشان دادن تصاویر میوه‌ها، رنگ‌ها، ابزارها و وسایل و هر عنصری که کلمات آن‌ها در زبان محلی و زبان فارسی متفاوت هستند. با شیوه‌ی نگاه کن و بگو تلفظ صحیح واژه‌های زبان فارسی را آموزش دهید.

مثال:

فارسی	گویش‌های محلی: بلوچی
آهو	آهوگ
گاو	گوک
خروس	کروس
نانوا	نان‌پچ
فارسی	گویش‌های محلی: لکی
باران	وارو
گوسفند	کوور
مرغ	مرخ
آب	او

فارسی	گویش‌های محلی: نائینی
زن	جَن
مرغ	کَرک
اتاق	یُرت
برف	ورف
فارسی	گویش‌های محلی: تاتی تاکستان
باران	وارون
گرگ	وَرگ
خروس	خورست
تنور	تنه
فارسی	گویش‌های محلی: تاتی الموت
مرغ	گِرک
سیب	سیف
درخت	دار
برگ	ولگ
فارسی	گویش‌های محلی: گیلکی لهجه‌ی رشت
تخم مرغ	مرغانه
دندان	گاز
کلاغ	کلاچ
برگ	بلغ
فارسی	گویش‌های محلی: قائن
کوه	لاخ
سبزی	قاب
خریزه	خیار

فارسی با اختلاف کامل	گویش‌های محلی: ترکی آذری
مادر	آنا
سیب	آلما
آب	سو
تخم مرغ	یومورتا
فارسی با اختلاف تلفظی	گویش‌های محلی: ترکی آذری
خروس	خروز
قیچی	قایچی
تراکتور	تیراكتور
شلوار	شالوار
فارسی	گویش‌های محلی: کردی مهاباد
خورشید	خور
سبز	کسک
زن	ژین
برف	بفر
فارسی	گویش‌های محلی: کردی کرمانشاهی
خورشید	خور
چوپان	شوان
هیزم	چیلی
چروک	لوج

مثال (۱): آموزش واژه‌های سیب = آلما، آب = سو، اسب = ات و خروس = خروز در مناطق دو زبانه ترکی آذری
 با نشان دادن تصاویر سیب، آب، اسب و خروس و با شیوه‌ی نگاه کن و بگو این کلمات را آموزش دهید :

– من به این عکس نگاه می‌کنم. شما هم به این عکس نگاه کنید. این یک سیب است.
 بگو (خطاب به تک‌تک دانش‌آموزان) : سیب. این یک سیب است.
 با هم بگویید (خطاب به همه‌ی دانش‌آموزان) : سیب. این یک سیب است.

در هنگام استفاده از شیوه «نگاه کن و بگو» می‌توانید به جای تصویر، در صورت امکان، خود میوه‌ها یا اشیاء را مثل برگ، تخم‌مرغ، قیچی، آب، نان و... به کلاس ببرید و آن‌ها را به بچه‌ها نشان دهید. حتی بچه‌ها می‌توانند آن‌ها را لمس کنند و واژه‌ی فارسی مربوط را بر زبان آورند. در این صورت علاوه بر حس دیداری و شنوایی از حس لامسه هم در آموزش سود می‌برید.

فعالیت: بنویسید از شیوه «نگاه کن و بگو» چگونه در آموزش رنگ واژه‌های زبان فارسی سود می‌برید؟

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

فعالیت: بنویسید از شیوه «نگاه کن و بگو» چگونه در آموزش اعداد به زبان فارسی سود می‌برید؟

.....

.....

.....

.....

.....

مثال (۲): چند تصویر را که موارد آن‌ها یک به یک با هم مرتبط باشند به بچه‌ها نشان دهید. بعد از آن‌ها بخواهید خوب به تصاویر نگاه کنند و سپس تصاویر مرتبط با هم را تشخیص دهند. برای نمونه تصاویر جوراب، شانه، عینک، مسواک، موی سر، پا، دست، دستکش، ناخن، ناخن‌گیر، چشم و دندان را نشان دهید. آن‌ها باید ارتباط جوراب-پا، شانه-موی سر، عینک-چشم، مسواک-دندان، دست-دستکش و ناخن-ناخن‌گیر را تشخیص دهند.

۳- راهبرد بازی آموزشی

الف- بازی آموزشی بشنو و جواب بده

بچه‌های کلاس خود را به دو گروه تقسیم کنید. کلمات فارسی را برای آن‌ها بخوانید. از گروه

اول بخواهید هرگاه اسم یک «جاندار» را شنیدند آن را تکرار کنند و دسته‌ی دوم هرگاه اسم یک «رنگ» را شنیدند آن را تکرار کنند و اگر کلمه‌ای نه جاندار بود و نه رنگ، هر دو گروه سکوت نمایند:

آهو - سیب - بابا - مادر - برف - زرد - شیر - بنفش - قرمز - کبوتر - سنگ - لیوان - سفید - اردک - مرغ - ماشین - قهوه‌ای - سیاه - کوه - آفتاب - خروس - نارنجی

ب - بازی آموزشی نگاه کن ولی فراموش نکن

چند وسیله، میوه یا هر چیز دیگری که واژه‌ی آن در زبان فارسی با گویش محلی دانش‌آموز فرق دارد روی میز بگذارید و پارچه‌ی بزرگی روی آن بکشید. از دانش‌آموزان در دسته‌های سه نفری بخواهید جلوی میز بیایند. برای ۲۰ ثانیه پارچه را بردارید. سپس با پارچه روی وسایل را بپوشانید، اینک از آن‌ها بخواهید نام فارسی اشیایی را که دیده‌اند بر زبان آورند. هر دانش‌آموز که تعداد بیش‌تری واژه‌ی صحیح فارسی بر زبان آورد، برنده‌ی بازی است.

تذکر: توجه داشته باشید که برنده شدن در این بازی فقط جهت افزایش انگیزه‌ی بچه‌ها برای مشارکت در امر یادگیری زبان فارسی است و شما باید تمام توجه خود را بر این امر معطوف کنید.

ج - بازی آموزشی نمایش از روی قصه‌ی معلم

داستان کوتاهی را در نظر بگیرید و هر کدام از دانش‌آموزان خود را به نام یکی از قهرمانان این داستان نامگذاری کنید. مثلاً پدر، مادر، پسر، دختر، مادر بزرگ، پدر بزرگ و... یا اسامی حیوانات شیر، گاو، شغال، روباه، خروس و... سپس از آن‌ها بخواهید هر جای داستان نام آن‌ها بر زبان شما آمد، با حرکات و یا تقلید صدا نقش فرد یا حیوان موردنظر را نشان دهند.

د - بازی آموزشی خرید و فروش

بازی خرید و فروش از مغازه‌ی میوه‌فروشی (برای آموزش نام‌های فارسی سبزی‌ها، میوه‌ها و قیمت آن‌ها) و خواروبار فروشی (برای آموزش نام‌های فارسی شیر، پنیر، دوغ، روغن، برنج، کره، ماست، تخم مرغ و...) بسیار مناسب است. بچه‌ها به زبان فارسی با هم مکالمه می‌کنند و در جریان این بازی دانش زبان فارسی خود را بهبود می‌بخشند.

ه - بازی آموزشی مسافرت

بازی در نقش یک مسافر و انجام مکالمه‌های مربوط به راه‌آهن، فرودگاه، ترمینال اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها، زیارت مشهد و قم، گردش در اصفهان و شیراز و استان‌های شمالی زمینه‌ی مناسبی برای آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

و - بازی آموزشی پرتاب توپ

برای هر کدام از بچه‌ها نامی انتخاب کنید و تصویر یا عکس آن را روی سینه‌ی او بچسبانید.

مثلاً آقای سیب با عکس سیب روی سینه‌اش. سپس بگویند دایره‌وار بایستند. شما به نوبت توپ را به آن‌ها بدهید و نام یکی از بچه‌ها را به زبان فارسی بگویید. صاحب توپ باید، این نام فارسی را تشخیص دهد و به درستی با توپ هم‌کلاس خود را که صاحب آن نام است هدف قرار دهد.

ز — بازی دوست و دشمن

بچه‌ها را دو به دو با کلمات متضاد نام‌گذاری کنید: دوست — دشمن، کوتاه — بلند، شب — روز، کوچک — بزرگ و

سپس به آن‌ها بگویید: «هرگاه من یک کلمه را بر زبان آوردم مخالف آن کلمه باید دست راست خود را بلند کند یا چشم چپ خود را ببندد یا یک پای خود را بلند کند.»

همچنین می‌توانید بگویید که هرگاه شما یک کلمه را بر زبان آوردید هم صاحب آن کلمه و هم مخالف او باید در حالی که لی‌لی می‌کنند و دو دست خود را روی سینه قلاب کرده‌اند، با هم بجنگند تا یکی از آن‌ها مجبور شود پای خود را روی زمین بگذارد. هر کس دیرتر پای خود را روی زمین گذاشت، برنده‌ی بازی است. [این بازی را در برخی مناطق خروس جنگی می‌نامند]

ه — بازی کلمه‌سازی با صدای آخر کلمات

در این بازی یکی از کودکان کلمه‌ای را می‌گوید مثل «اسب»؛ کودک بعدی باید کلمه‌ای بگوید که با صدای پایانی «اسب» یعنی «ب» شروع شود مثل «بابا». به همین ترتیب کودک سوم باید با صدای پایانی «بابا» یعنی «ا» کلمه بسازد مثل «آش» و

مثال:

اسب ← بابا ← آش ← شهر ← رامین ← نادر ← روستا ← آرام ← مادر ← روز ← زیبا ← آلبالو ← ویلا ← آبی ← یوسف ← فکر ←

ط — بازی گوش کن و پیدا کن

تصویر یک حیوان، میوه، ابزار و هر چیزی دیگری را به یکی از کودکان بدهید. او بدون آن که اسم آن تصویر را بگوید، درباره‌ی آن به زبان فارسی توضیح می‌دهد. سپس بچه‌ها نام آن تصویر را حدس می‌زنند. اگر بچه‌ها درست حدس زدند تصویر بعدی را به یک کودک دیگر بدهید. تا موقعی که بچه‌ها اسم آن چیز را درست حدس نزده‌اند، هر کودک باید تصویر را بیش‌تر توضیح بدهد.

ی — بازی جور و ناجور

برای این که کودکان حوزه‌های معنایی زبان فارسی را به‌خوبی یاد بگیرند در یک بازی سرگرمی چند کلمه را برای آن‌ها بگویید یا تصویر آن‌ها را نشان دهید. آن‌ها باید کلمه‌ی ناجور را که حوزه‌ی معنایی‌اش با حوزه‌ی معنایی کلمات دیگر فرق دارد، پیدا کنند.

مثال: اسب، میز، گربه، سگ
گلایی، گیلان، گلدان، آلبالو
مرد، زن، پسر، نجار
انگور، دندان، دهان، لب
چشم، گوش، دست، کلاه

فعالیت: با تفکر و مشاوره با دوستان خود دو بازی آموزشی دیگر، که می‌توان برای تقویت مهارت‌های زبان فارسی دانش‌آموزان مناطق دو زبانه از آن‌ها سود برد، پیشنهاد کنید.

بازی آموزشی (۱۱):

.....

.....

.....

.....

بازی آموزشی (۱۲):

.....

.....

.....

.....

۴- راهبرد بحث و گفت‌وگو

هرچند دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی، به‌ویژه پایه‌ی اول دبستان، هنوز برای استفاده از راهبرد بحث و گفت‌وگو آمادگی لازم را ندارند اما با استفاده از موضوعات ساده و گفت‌وگوهای کوتاه مدت می‌توان تا اندازه‌ی زیادی در ماه‌های میانی به بعد سال تحصیلی از این راهبرد استفاده کرد.

مثال: با همکاری دانش‌آموزان خود در مورد «اهمیت صبحانه»، «صرفه‌جویی در آب»، «اهمیت مسواک زدن» یا هر موضوع مورد علاقه‌ی دیگر، به زبان فارسی بحث و گفت‌وگو کنید. هر دانش‌آموز دلیل یا دلایل خود را بگوید. سپس خود آن‌ها نتایج را جمع‌بندی کنند. اگر جمع‌بندی بحث را برعهده‌ی خود آن‌ها بگذارید سعی خواهند کرد با دقت بیش‌تری به سخنان دوستان خود گوش کنند تا از هر کدام که خواستید بتوانند جمع‌بندی بحث را انجام دهد.